

نابود باد امپریالیسم جهانی
سرکردگی امپریالیسم امریکا
وبابگاه د اخلیش

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

صفحه ۲۰

چهارشنبه ۲۲ مه ۱۳۶۰

سال سوم شماره ۱۳۱

نامه سرگشاده به

سازمان مجاهدین خلق ایران

هیئت حاکمه در پنا سکویی نه ابتدائی
- ترین نیازهای مردم موجب و خاست
بیش از انداز شرايط زندگي کارگران
دهقانان و همه اقشار زحمتکش میهن ما
شده است. فقر و فلاکت، بیکاری، گروانی،
بقیه در صفحه ۲

زحمتکش میهن کام بر میدارند، ملزم
می سازد که در این شرایط بسیار حساس
و بحرانی روزافزون، برخوردی انقلابی
و مسئولانه داشته باشند، رشد و تعمیق
بحران اقتصادی - سیاسی و ناتوانی

انقلاب ایران لحظات سرنوشت
سازي را میگذارد، سرنوشت انقلاب
هنه نیروهايش را که با عزمی راسخ و
ایمانی راستین در جهت پیروزی انقلاب
و تحقق آرمانهای حق طلبانه توده های

اتحاد پنهانی رژیم جمهوری اسلامی و "سیا" در سرکوب خلق کرد

امروز دیگر کمتر نیروی آگاهی را
میتوان در سطح منطقه و ایران پیدا
کرد که از ارتباط و پیوند آشکار و پنهان
قیاده موقت با سازمان جاسوسی امریکا
"سیا" اطلاع نداشته باشد و یا آنرا منکر
شود. رهبری قیاده موقت با فرزندان
مزدور و ملامطفی با رزانی رهبر خیانتهکار
خلق کرد عراق است که با پشت کردن به
خلق کرد در خدمت امپریالیسم و رژیم
جنایتکار شاه قرا گرفت. فرزندان
او، ادریس و مسعود نیز خیانت پدرشان
را بخلق کرد پیشه خود ساختند و بیعتوان
عالمین سازمان سیا، سازمان جاسوسی
اسرائیل "موساد" نقش خائنه خود را در
جنبش خلق کرد دادا مه دادند. آنها عالمین
و مزدوران شناخته شده امپریالیسم
بقیه در صفحه ۹

جهت آزادی زندگان ایران، سیاه سی

این فرزندان قهرمان خلق بیاخیزیم

تمامی خلقها، کارگران و زحمتکشان،
دهقانان، دانش آموزان و معلمان،
سربازان و دیگر رنجبران در جنگال
سرما پاره داری خونخوار، در پهنه های
فرتوت امپریالیسم و پانگاه د اخلیش
میرزمند، اما زندانیان رژیم ویزگی های
دیگری دارند. زندانهای رژیم

اینک جوانان بسیاری در سبزه
چالهای رژیم سیرند، اینک بهترین
فرزندان خلق در سلولهای تنگ و نموی
که شاه جهت به بند کشیدن آزادیتارک
دیده بود در دست دژ خمیان جمهوری -
اسلامی اسیرند، هر چند اینک ایران
سراسر زندان است، زندانی که در آن

بقیه در صفحه ۳

بامبارز متحد خود از اخراج و تصفیه

جلوگیری کنیم

ولس کرده اند.
در هر یک از مدارس با همکاران انجمن
های اسلامی و مسئولین امور تربیتی
یا جاسوسان حزب الله (بخوان حزب
جمهوری اسلامی) لیست بلندبالای زاسامی
دانش آموزان انقلابی و مبارزان که در
سالهای گذشته فعالیت مبارزانه داشته
تهیه شده است و گویا در پانزدهم مهر ماه
بقیه در صفحه ۷

از اول سال تحصیلی جاری سایه
شوم دیکتاتوری و خفقان در تمام
مدارس ایران گسترده گردید. پرورش،
وزیر آموزش و پرورش امسال را سال -
حاکمیت حزب الله در مدارس اعلام نمود.
و اکنون با گذشت قریب به دو هفته دانش
آموزان و معلمان میهن ما من مفهوم -
حقیقی حاکمیت حزب الله را بخوبی درک

مرگ سادات

و اعتلا جنبش توده های در مصر

بقیه در صفحه ۹

در این شماره

● جنبش جهانی

● اخبار شهرستانها

● یادداشت های تاریخی

● پروتکلها و آزادیهای دمکراتیک

مرکز حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

نامه سرگشاده به

سازمان مجاهدین خلق ایران

بقیه از صفحه ۱

آوارگی و..... ابعاد سیاسی سابقه‌های یافته و زمینه‌ها را زبر و نازنا رضایتی عمومی و رشد روزافزون مبارزات اعتراضی و حق طلبانه توده‌های مردم گشته است. هیئت حاکمه که طی نزدیک به سه سال گذشته جزنا بودی دستا ودهای انقلاب و ایجاد فلاکت عمومی ارمان دیگری نداشته است، اکنون براه بقای خود و جلوگیری از مبارزات وسیع توده‌یستی به خشن‌ترین سیاست سرکوب و اختناق سلب ابتدائی‌ترین آزادیهای سیاسی و سرانجام شکنجه و تیرباران نه‌نهای دسته‌جمعی انقلابی‌پروزی آورده است. رژیم جمهوری اسلامی اکنون دیگر نتواند عوام فریبی را بکند و بکشتار جنا بیکارانه مردم برخاسته است، تا شاید بدین طریق بتواند در برابر سرکوشش مبارزات توده‌یستی سد ایجاد نماید و بحران سیاسی کنونی را مهار کند. اما خلق قهرمانان نیکه‌تشنه آزادی و استقلال است و برای دست یافتن بدان از هیچ کوشش و فداکاری فروگذار نکرده است، اکنون بخوبی میدانند که با ادامه این حاکمیت و این رژیم ضدانقلابی به هیچیک از آرمانهای مقدس خویش دست نخواهد یافت.

رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب جنا بیکاران و ارکان قیام بهمن و بنا اعمال سیاست شکنجه و تیرباران در پاسخ به خواسته‌های آزادی طلبانه و عدالتخواه توده مردم زمینه سرنگونی خود را شتابان فراهم می‌آورد. خلق ما که برای رهایی از جنگال رژیم دیکتاتوری پهلوی و برانداختن نظام سرمایه‌داری و واسه مهمترین فرزندان خود را قربانی داده است، مسلماً نمی‌تواند حاکمیت ترور و - اختناق دیگری را تحمل نماید. ما ایمان داریم که مبارزات انقلابی مردم ستمکش بر علیه سباط ظلم و ارباب و شکنجه و کشتار رژیم جمهوری اسلامی طبیعی‌ترین، حتمی‌ترین و مشروع‌ترین واکنش خلقی آزاده و انقلابی در برابر رژیم خفقان است.

دوستان مجاهد! در برابر چنین شرایطی است که اتحاد عمل تمامی نیروهای انقلابی، دمکرات و ضد امپریالیستی یک ضرورت حیاتی انکارناپذیر شما می‌رود. تنها چنین اتحادی است که - اندک‌ازگسترده‌ترین، پیروزمندترین و توانا ترین جنبش انقلابی مردم ما را در تلاش سرنوشت ساز، سازمان دهد و در مسیری ظفرنمون بیگیرانه‌ها هدایت نماید. ما اهمیت سرنوشت ساز جنبش اتحادی را درک می‌کنیم و با تمام -

نیرو برای تحقق آن تلاش مینمائیم. ما با الهام از منافع زحمتکشان و مترومین این سرزمین و در جریان تجربه انقلابی خویش آموخته ایم که چنین اتحادی نمی‌تواند جز بر شا لوده عمیق ترین و انقلابی ترین خواسته‌های توده‌های مردم ما قرار گیرد. - بدین ترتیب آنچه بنام "میثاق شورای مقاومت ملی" از طرف آقای بنی صدر مطرح گردیده و متاسفانه مورد پذیرش و حمایت کامل مجاهدین خلق قرار گرفته است بنحویکه آنرا بعنوان - مبنای اتحاد سازمانهای انقلابی پیشنها دکرده اند مسلماً نمی‌توانند با سخگوی نیازها و خواسته‌های کارگران دهقانان و اقشار زحمتکش و رنج دیده کشور ما بوده، بهیچوجه نمی‌توانند مبنای اتحاد عمل نیروهای انقلابی، دمکرات و ضد امپریالیست قرار گیرند. آنچه که در "میثاق" بیان شده است در چهارچوب همان قرار و مدارهای معماران رژیم جمهوری اسلامی پیش از قیام بهمن درباریس است و شما خود بخوبی میدانید که برآمدن این رژیم شکنجه و تیرباران از درون آن قرار و مدارها امری تصادفی نبوده است. چنین میثاقی مسلماً نمی‌تواند با سخگوی نیازها و خواسته‌های کارگران، دهقانان و اقشار زحمتکش و رنج دیده این سرزمین باشد. شکی نیست که "میثاق" در حد و دیکه بر لزوم استقرار آزادیهای سیاسی تاکید میکند مورد حمایت ما ست و خواهد بود. اما آنچه توده‌های کارگران، دهقانان و اقشار زحمتکش این سرزمین می‌طلبند، بسیار فراتر از چهارچوب میثاقی است که شما آنرا بعنوان مبنای اتحاد دو همگامی کلیه نیروهای انقلابی و ترقیخواه مردمی پیشنها میکنید. ما وظیفه خود میدانیم که با در نظر گرفتن اهداف - این مرحله از جنبش پلاتفرم زیرا که در چهارچوب برنامه جدا قل پرولتاریا و البته نه در انطباق کامل با آن قرار دارد، بعنوان فصل مشترک و مبنای پیوند تمامی نیروهای انقلابی، ضد امپریالیست و ترقیخواه عنوان نمائیم. از نظر ما این پلاتفرم نمیتواند با برنامه سازمان مجاهدین خلق، که سازمانی انقلابی با سنتی پراختیار و خونین است همخوانی نداشته باشد. ما عمیقاً اعتقاد داریم که نیروهای - انقلابی و ترقیخواه مسلماً حول برنامه - می‌توانند اتحاد عمل خود را در جهت مصالح انقلاب تحقق بخشند که در برگزیده خواسته‌های آنی کارگران، دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش میهنمان باشد. خطوط اصلی پلاتفرم پیشنها دی ما شرح زیر است:

- الف: نظریات بنکر رژیم جمهوری اسلامی عمده ترین مانع در راه تحقق خواسته‌های ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران محسوب میشود، بنا بر این در این تردیدی نیست که الف: - بدون سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک دولت انقلابی موقت که محصول قیام پیرومند توده‌ها و ارگان اقتدار خلق محسوب میشود نمی‌تواند - هیچگونه صحبتی از تحقق خواسته‌های ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها بمیان آورد. ب: دولت موقت انقلابی موظف است در خدمت فوری تیرباران و ضروری ترین خواسته‌های توده‌های مردم اقدامات عاجل زیر را بمرحله اجراء آورد: ۱ - تشکیل مجلس مؤسسان دمکراتیک و انقلابی بر اساس حق رای - عمومی، مستقیم، برابر، همگامی و مخفی که براساسی بیگانوارانه توده‌ها با تنظیم سیاسی جدیدی را پی افکند. ۲ - تأمین آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک توده‌ها از جمله آزادی بیان اندیشه و قلم، آزادی هر نوع تشکل و انجمن (سندیکا، اتحادیه، کمیته‌های مزارع، شوراها، کانونهای دمکراتیک و.....)، آزادی گردمانی، تظاهرات و اعتصابات، آزادی احزاب سیاسی آزادی و حقوق برابر برای کلیه مذاهب، محو هرگونه حق ویژه برای یک مذهب، جدائی کامل دستگاه مذهب از دستگاه دولت، لغو هرگونه سانسور، برابری کامل حقوق زن و مرد. ۳ - برسمیت شناختن شوراها و کانونها، دهقانان، زحمتکشان شهری، شوراها و کارمندان، مدارس و دانشگاه شوراها و سربازان، درجه داران و افسران جز ارتش. ۴ - بسیج عمومی خلق برای تداوم - انقلاب و دفاع از دستاوردهای آن. ۵ - برسمیت شناختن حق خودمختاری برای خلقهای تحت ستم و رفع هرگونه تبعیض اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... ۶ - تحقق خواسته‌ها و نیازهای آزادیهای کارگران، اجراء ۴۰ ساعت کار و روز تعطیل در هفته، اعطای یکماه مرخصی سالانه، تعیین حداقل دستمزد - متناسب با مخارج کارگران، شرکت نمایندگان کارگران در تدوین - قانون کار. ۷ - مبارزه عاجل با گرانی و بیکاری و اتخاذ اقدامات فوری در جهت تأمین کار و مسکن برای کارگران و زحمتکشان و نیز تأمین بهداشت و آموزش رایگان برای توده‌های مردم. ۸ - معادله سرمایه‌های بزرگ و بسه رسمیت شناختن شوراها و کنتراول کارگری در واحدها و موسسات تولیدی ۹ - اصلاحات ارضی دمکراتیک و معادله انقلابی زمین و کلیه وسایل تولید زمینداران بزرگ و واگذاری آنها به دهقانان از طریق شوراها و دهقانان و لغو کلیه دیون دهقانان به بانکها زمینداران و ربا خواران. بقیه در صفحه ۳

رهبری طبقه کارگرمندان پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

جهت آزادی زندانیان سیاسی، این فرزندان قهرمان...

اینک از زندانیان سیاسی انباشته گشته است. اینک بطور تخمین بیش از ۱۸۰۰۰ زندانی سیاسی در ایران وجود دارد. بطوریکه سران رژیم در سخنانشان شفاهی خود از ۷۰۰۰ زندانی در اوین سخن میگویند. رژیم جهت نگهداری این بیش از ۷۰۰۰ زندانی خلق مجبور شده است چگونگی فاشیستی ترین رژیمها و چون سیاهترین لحظات حکومتهای نظمی، استبداد و مهابت فضاها را دیگری چون اصطبل مالخ آبا در آن به محبس جوانان وطن بدل سازد.

دهها هزار جوان، دانش آموز، دانشجو، کارگر، روستا زاده، ۹ ساله، ۱۲ ساله، ۱۷ ساله، بسرو دخترخمی، بیماران بدنهایی متورم و دردناک اینک در زندانند، جرمشان تنها و تنها دفاع از آزادی است، دفاع از حقوق زحمتکشان، اعتقاد دینیه برابری، ارزش نهادن به مقام انسانی، جرمشان اینست که فریاد زده اند استقلال کار، مسکن، آزادی، جرمشان اینست که بر دیوارها نوشته اند مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد خلق، جرم این جوانان انقلابی مبارزه با امپریالیسم است، مبارزه با سرمایه داری و مخالفت با استعمار کارگران است. جرمشان اینست که میخواهند "نان و کمرنگی" - تساویت تقسیم کردند "سفره ها همه رنگین - باشد" و خنده و شوق آینده جای غم را - بگیرد.

اینک بیش از ده هزار جوان در دست دژ خیمانی دیوار نه بر لبه پرنگاه مرگ - قرار دارند. اینک تمامی عوارض گلهای نوشکننده انقلاب به مویی بسته است که در دست جلادان جمهوری است، اینک تپخی که بر کف این زندانیان مست نهاده شده - هردم خون دهها جوان را میریزد و افسوس آسمان انقلاب ایران را سرختر میسازد. در زندانها شکنجه میداد میکنند، فحش، کتک، تحقیر، انفرادی، گرسنگی و بی خوابی تنها روال معمولی زندان است. کابل کشیدن ناخن، تجاوز، سوزاندن بدن، - اتمال برق به آلت و... به وفور بکار گرفته میشود و تمامی اینها جدا از گانه - های امن و شکنجه گاههای مخفی است.

رژیم جلادان، رژیم خون آشامان سیری ناپذیری می با میتازد. اجساد بسیاری از وحشت رسوایی بیش از حد تحویب - خانواده هایشان نمیکردند و مخفیانه - دفن میشود، آثار شکنجه، کبودی، زخم، تاول های چرکین، ناخنهای کشیده، همه بر اجساد این قهرمانان خلق نقش بسته است و تمامی اینها لکه های بیشمار رنگی است بر دامن رژیم.

در این فضای هولناک، در این سیاه چالهای مرگ و حماسه هر سحرگاه، و در بسیاری اوقات هر شامگاه سلسلهای - درخیمان میفرود و قلب خلق را نشانه میرود. میفرود و شکوفه های دیگری از باغ انقلاب را پرپر میسازد. نسل انقلاب در خون و آتش میباید لودر شد میکند، بیدار دگاها

یک دقیقه ای، جلادان شرع، با غی، مفسد، محارب... و اعدا م. به جرم داداشتن کتاب داشتن اعلامیه، داشتن تیغ، داشتن نمک غلغل، به جرم دوست داشتن خلق، به جرم عشق ورزیدن به زحمتکشان، به جرم گام - زدن در راه انقلاب... تمامی این صحنه های وحشیانه در شرایطی رخ میدهد که یکی از بزرگترین خواسته های خلق در انقلاب آزادی زندانیان سیاسی بوده و هست، این صحنه ها در کشوری به نام پیش در میآید که زندانیان پولادینش به قدرت سرلبنه خلق گشوده شد و قفلهای سباجها را بشدت در زیر فشار رسیل خروشان توده ها درهم شکست. تمامی این صحنه ها بدست جلادانی جرم میگردند که بر میراث انقلاب توده ها جنگ انداخته اند و به نام انقلاب، انقلاب را سرکوب میکنند.

در این سوی دیوارهای زندان نیز شکنجه و سرکوب تداوم دارد. خانواده های زندانیان سیاسی و خانواده های شهدای به خون خفته خلق در زیر شدیدترین فشارها قرار دارند، ضرب و شتم، تحقیر، سرکوب، حمله با چاقو و دشنه و حتی تجاوز به خانواده ها - های زندانیان سیاسی اعمال میگردند. در این رابطه تنها برای آشنا شدن با گوشه ای از آنچه برای خانواده های رنج دیده و مبارز میگردند بهتر است بسر گزارشاتی که از جلوی کمیته ها و زندان ها بدست ما رسیده است نگاه کوتاهی بیندازیم.

در تمامی گزارشات آزار و اذیت، جلوگیری از ملاقات زندان دان اطلاع از حال فرزندان و حتی نگفتن نیست زندانیها مشترک است. با خانواده های زندانیان سیاسی و شهدای خلق به زشت ترین و - وحشیانه ترین شیوه ای برخورد میشود. در گزارشی آمده "در جلوی کمیته مرکزی - خانواده های زندانیان سیاسی جمع شده بودند (۶۰/۶/۳) زنی که دو دختر و یک پسر را به همراه داداش گرفته بودند به همراه مادر داداش یکی از دهات تهریز آمده بودند میگفت "ما الان ۲۶ روز است تو تهران دنبال بچه ها مون میگردیم هنوز خبری ندا ریم نمیدونیم چه بلایی سر - شون آوردن" همواره در رابطه با گفتن اسم زندانیان مزدوران رژیم بیشترین آزار را اعمال میکنند در مقابل کمیته مرکزی "مرد جوانی که بدنهال برادرش مراجعه کرده بود از مسئول خواست که در لیست ببیند برادرش هست یا نه مسئول گفت نه مرد جوان گفت با خوب بگرد - شاید با شد. شایدا اسمش را عوضی داده " مسئول کمیته گفت "میگم نیست" و سپس گفت "مرتیکه تو حرف حساب سرت نمی شود" "مرد جوان که بسواری را احت بود گفت "با با بخدا، به ابوالفضل این کار شکنجه کمیته چی با حالت تهدید گفت "یعنی ما کار شکنجه میکنیم" "مرد کمی تر متر گفت "اگر نکنین، کار شکنجه میشه شما رسیدگی نمی کنین مزدور کمیته چی فریاد دزد - مرتیکه حرف دهنه تو بفهم" که مرد جوان در

حالی که از صف خارج میشد و میرفت گفت "آره میگم کار شکنجه" و چندین فحش نشان رژیم و مزدورانش کرد.

همواره مزدوران رژیم با تعداد - محدود و با لباس شخصی در میان حاضران جلوی زندانها گشت میزنند و لیچه - هره قنفورشان کا ملاشناخته شده است در - جلوی زندان اوین زنی که پسرش در زندان بود به یکی از پاسداران گفت "ما درم - خیلی ناراحته از ناراحتی داره دیوونه میشه" پاسدار مزدور گفت "خب من چیکار کنم بروه خود شو به دیوونه خونه معرفی کن" زن گریه اش گرفت و بیشتر التماس کرد که پاسدار دیگری گفت "برو با با بزرگوار بیهاد" و مزدورانی زن را بزور به آن - طرف خیابان برد و اوادارشان کرد ساکت در گوشه ای با بستند در همین حین هم فحش رنگین در زیر لب به او داد. در همین حین زن منشی میگفت "این بیهوده - (منظور همان پاسدار راست) خیلی بدجنمه دیروز دوتا زن اینها صحبت میکردن اون فکر کرد که دارن به اون فحش میدن اومد یکی از اونارو که صحبت میکرد با مشت و لگد تا دم زندان کشید و بعد بر بدن زدنش کردند. آخا این چه سلامیه مرده شورش رو بپرن زنی که با شوهرش همواره بود و در - ظرف ده ماهه سه فرزندش را با ز داشت کرده بودند در مقابل زندان اوین می گفت "با گرفتن بچه ها ما دونفر هیچکدام حال کاریندا ریم، حالا و مدیم از وضع آخرین بچه مون با خبر بشیم... این بی شرفها وقتی راه یک خونه رو با دیگری دیدگه دست بردار نیستن تا حلاجی بدبا رخوه ما را گشتن هر دفعه همه جا میر و حسابی زیر رو میکنن و میگردن" و مردی که ساکت دستش بود با تلخی و عصبانیت میگفت "دختر سیزده ساله رو گرفتند بعد حلاله که لباس برایش آوردند قبول نمیکنن رفتیم پیش - قدوسی میگم بیدنه وضع زندانیا رسیدگی کنین میگم من میدونم هفت هزار زندانی اوین غذا ندان ولی هیچکس کاری زدست ما بر نمیداد." و در انتها با ناراحتی تمام گفت "اقتلا" تهریا رانش نمیکنن خیالمون راحت بشه" در این حال چند پاسدار آمدند زنی جلوی آنها را گرفت گفت "آقا اومدیم پول بدهیم چیکار کنیم" پاسدار مزدور و مالی که میرفت گفت "مطلبه بزن آها رکن و مردم زیر لب چند فحش نشانش کردند.

بلندگوی زندان نیز هر وقت یکبار نمره میزند "کسانی که جلوی دریا رنگین جمع شده اند بیرون تورا الا با زدا شت میشوند و... کسانی که شمارها دارند بهمانندند - کسانی که ندادند بیرون تورا الا بدستگیر می شوند در جواب اعتراضات خانواده ها نیز پاسداران مزدور مدام میگویند "اگر بیشتر شلوغ کنید ملاقات را میندازیم عقبت در نهایی نیز قسمتی از گزارشگان - دهنده یکی از رفقا را میاوریم رفیق - مینویسد "در ایستگاه اتوبوس حوالی میدان آزادی توبوسی رسید، زنی حدود ۴۰ ساله بیاد شده که نظرمه را بسوی خود جلب کرد. ایکاش میشد حالت این زن را توصیف کرد، با صورتی اشک آلود و شیون و زاری سر داده بود و ناله و نفرین بقیه در صفت ۴

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد

جهت آزادی

زندانیان سیاسی و...

بقیه از صفحه ۳

میکرد. بعد از آنکه جویبای واقع شد گفت که تنها فرزندش را دستگیر کرده اند و او از شیراز به تهران آمده تا پسرش را پیدا کند. در جلوی زندان اوین پاسداران وی را مورد ضرب و شتم قرار میدهند لیکن او مصمم تر همچنان به دیدار فرزندش - اصرار میکنند... با رسیدن غروب مجدداً از طرف پاسداران مورد تهدید قرار می گیرد که محل را ترک کند ولی او خود را روی زمین انداخته و همانجا میماند. پاسداران تا مدتی دست از سرا و برمی دارند. اما پس از آن این جنايتکاران بشرف این مادر تنگدیده را مورد تجاوز قرار میدهند و سپس صبح زود او را به زور با ماشین روانه شهر میکنند. پس از شرح ماجرا خشم و نفرتی عظیم همه حاضرین را در بر گرفته بود... گزارشات متعددی دیگری را که شرح ریختن آب جوش متفرق کردن با شیلنگ پرفشار و همچنین حمله او با ش به خانواده ها و دریدن شکم زن حامله بوده در شما ره ی پیشین کار بوده ایم اینها تنها گوشه های کوچکی از آنچه است است که بیخ خانواده های مبارزان ایران فرزندان خلق میگردد.

هم اکنون شعار آزادی زندانیان سیاسی یکی از شعارهای اساسی است که بیانگر خواسته های آزادیخواهان و دمکراتیک توده های وسیع خلق ما است. شعار راست که بر اساس سابقه ذهنی توده ها نسبت به آن و سابقه مبارزاتسی عظیمی که در پی آن نهفته است، زمینه فراوانی برای ایجاد تشکل توده ها و گردآوری و وسیعترین افشار بر حوال خود را میباید. شعار راست که در شرایط کنونی باید وسیعاً تبلیغ گردد و بر حوال آن حرکات توده ای سازماندهی شود. پیشبرد شعار زندانی سیاسی آزادی که به جنبه های گوناگون میسر است که به چند وجه آن محدود میزیم.

باید این شعار را به میان توده ها برد. ضرورت تحقق آنرا به وسیعترین افشار توضیح داد. ارتباط تنگاتنگ این شعار را با دیگر خواسته های توده ها بیان کرد. باید به آنان گفت که زندانی سیاسی کیست؟ چرا در زندان است؟ و آزادیش برای پیشبرد انقلاب چه تاثیری دارد. اینک در توده ها این زمینه بسیار آماده است و تنها با یاد این درک را تعمیق بخشید. آنگاه است که این خواسته به خواسته بالفعل توده ها بدل میگردد. آنگاه است که میتوان آنرا در خواسته های کارگران اعتصابی، کارمندان معترض و توده های انقلابی گنجانید. باید این شعار را بر هر دیوار در هر کارخانه محله و روستا، در هر اتوبوس و تلفن و در هر کجا نوشته شود و تبلیغ گردد. رفقای خارج ز کشور در این رابطه نقش مهمی بردوش دارند. باید وضعیت

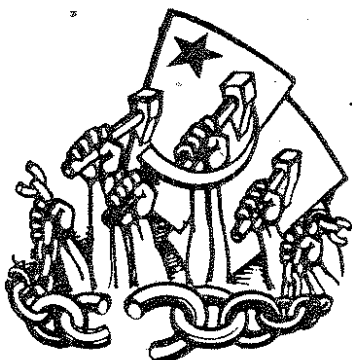
حاکم بر زندانیان، تعداد زندانیان، شیوه دستگیریها، اعداها، شکنجه ها، ترورها و وضع بیدارگاہها را به وسیعترین صورت در زند توده های مردم سرا سر جهان و مجامع بین المللی افشاء سازید. باید اشکال وسیع تظاهرات، تحصنها و اشغالهای اعتراضی را جهت رسانیدن صدای زندانیان سیاسی به تمامی جهان بکار گیرید. این شیوه ها با دیدت بکار برده شود. مثلاً تظاهرات و راهپیماینها، تحصنها یا فته در جلوی مجامع بین المللی سیاسی خواسته های مشخص و ملموس از جمله محکوم کردن رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی، با زدیداد زندانیان، جلوگیری از شکنجه و اعداها و... و یا سازمان دادن یک اعتصاب غذا تا تحقق با زدیدهیشتی متشکل از افراد و نیروهای مترقی، دمکرات و انقلابی از زندانیان ایران و بررسی کامل مدارک و اسناد ارائه شده از شکنجه ها و رسیدگی به وضع اعداها... همه و همه روشهایی است که باید سازمان داده شود.

از سوی دیگر باید تمامی سازمانهای آزادیبخش، نیروهای مترقی و انقلابی و کشورهای مترقی وسیعاً تماس گرفت. جنایات رژیم را برای افشاء کرد با ارائه مدارک و اسناد ما هیت ضد خلقی آن را به نمایش نهاد. و خواهان پشتیبانی آنان از جنبش رهائی بخش خلقهای ایران شد. باید در حرکات اعتراضی حد اکثر نیرو و توان را بکار گرفت و تا حد ممکن با سایر نیروها، سازمانها، جنبش ها و افراد مترقی و انقلابی اتحاد عمل نمود. باید چهره گریه رژیم - دیکتاتوری جمهوری اسلامی را در تمامی ابعادش به نمایش نهاد.

در عین حال حرکت را با یاد از بالفعل ترین نیروها آغاز نمود و گسترش داد. اینک خانواده های زندانیان سیاسی و خانواده های شهدای خلق بالفعل ترین نیروها جهت سازمان دادن حرکتی وسیع و توده ای در جهت تحقق شعار زندانی سیاسی آزادی یاد کرد به شمار میروند. باید آنها را متشکل نمود. باید ارتباطات ما بین آنها را هر چه وسیعتر کرد. باید سعی در گسترش آشنایی ها و تماسها و همچنین افزایش امکان ارتباط گیریها - ایشان نمود. باید حرکات خانواده ها را نظم بخشید. روزهای معین، ساعات معین، برنا مه معین، باید دوجها فشا کرانه را در حرکات خانواده ها غالب کرد. باید سعی کرد حرکات را در محله های پر جمعیت تر شکل داد و خانواده ها را در جمع توده ها به افشارگری و ادانت هر چند خودپیشا پیش این عمل را انجام میدهند. گستردگی حرکت اهمیت بسیار دارد. باید وسیعترین تعداد افراد ممکن را به حرکت واداشت. این عمل نه تنها با مشکل کردن خانواده های هر چه بیشتر بلکه با گردآوری نیروی بیشتر از هر خانواده میسر است. میتوان حرکات وسیع را به روزهای خاصی (ونه الزاماً ثابت) اختصاص داد تا وسیعترین نیروها با توجه به کار و تحصیل خود بتوانند در آن شرکت کنند.

باید ارتباطی تنگاتنگ را بین خانواده های زندانیان سیاسی و خانواده های شهدای خلق برقرار ساخت و حتی الامکان حرکات مشترک را بین آنها سازمان داد. باید حرکات را به درون شهر و مکانهای شلوغ گشاید. شکل گیری تحصنها و حرکات اعتراضی چون راهپیمای خانواده های زندانیان سیاسی و شهدا (که مسلماً در صورت شکل گیری میباید در شلوغ ترین مراکز تجمع توده ها باشد) تنها زمانی میسر است که تشکلهای اولیه و به میدان گشایند و وسیعترین نیروها شکل گرفته باشد در غیر این صورت موفقیتی کسب نخواهد کرد.

بگذار رژیم آنچنان جوانان ما را به خون کشد که روی چنگیز و تیمور را سفید کند، بگذار رکشته رها خونین بر آه اندازد و سیاهچالهای شاهانه را از میان ریزد - لبریز سازد. هر مبارزی که شهید میگردد - خانواده ای به مبارزه برمیخیزد و هر خونی که بدست دشمنان رژیم بر زمین میریزد جویبای راست که سیل بیابان کن توده ها را بر قدرت ترخواهد کرد و خاکستر شهید خلق قسمتی دیگر از ذره های عظیم را که بین سرمایه داری و کمونیسم قرار دارد پرخواهد کرد. بگذار رژیم هزار - دستگیر کند، بگذار در سلولهای انفرادی هتفر، در اتاق های تنگ و نموره انفسر و در اوین ۷۰۰۰ نفر را نگاهدارد. بگذار - استادیوم، اصطبل، سوز و هر کجا دیگر زندان گردد، رژیم با هر زندانی سیاسی مشتکی دیگر از خاک گور خود را بیرون می ریزد، با هر زندانی سیاسی گامی دیگر به چوبه دار نزدیک میشود. اینبار رنیز انقلاب خلق به پیش میرود، می توفد. - ویران میکند، دیوارهای زندانها را در هم می شکند و جویبای زندانیان انقلابی را به رودخانه پر خروش انقلاب می پیوندد اما اینبار انقلاب توده ها و در پیشا پیش آن کارگران قهرمان ایران آنچنان زندانیان را در هم خواهند کوفت که تنها بر ویرانه هایش بتوان کارخانه، مدرسه و بیمارستان بنا کرد. به امید آرزو



پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



زندهباد انقلاب پرو (بخش دوم) *

در نخستین بخش این نوشته، کوشش شد تا با نگاهی سرفعلی و انفعالات مبارزه طبقاتی از نیمه دوم دهه نوزدهم به این سو، به بررسی ریشه‌های رادیکالیسم موجود در جنبش کارگری پرو برود. همچنین به چگونگی شکل‌گیری و رشد دو جریان بزرگ اجتماعی در تاریخ معاصر پرو، یعنی سوسیالیسم - علمی و بولیویسم آپراشی (حزب توده‌های انقلابی آمریکا) (APRA) نیز اشاره کردیم. دوره تاریخی بخش اول این نوشته، حدوداً تا سالهای دهه ۱۹۴۰، یعنی مقطع زمانی که روند صنعتی شدن جامعه پرو، رشدی شتابان بخود گرفته بود، کشیده شد و اینک در همین بخش با بررسی رشد اتحادیه‌گرایی در جنبش طبقه کارگر، شناخت ریشه‌های رادیکالیسم موجود در جنبش کارگری پرو را ادامه می‌دهیم.

اتحادیه‌گرایی در جنبش طبقه کارگر پرو، با بیای گسترش صنعتی شدن کشور اوج میگرفت. در سال ۱۹۴۴ برای نخستین بار پس از چهار دهه سال، پروولتاریای پرو توانست با رادیکالیزاسیون صنعتی خود را با نام کنفدراسیون کارگران پرو (C.T.P.) برپا دارد. تشکیل دهندگان این سازمان ملی کارگری، یعنی "حزب کمونیست پرو" و "حزب توده‌های انقلابی آمریکا" (APRA) ایران بودند که حلقه ملموس در جنبش کارگری پرو را که همانا فقدان یک سازمان سراسری کارگری بود، بگونه‌ای پرکنند. میراثی "کنفدراسیون کارگران پرو" (C.T.P.) میراثی تا جای کنفدراسیون عمومی کارگران پرو (C.G.T.P.) را که در سال ۱۹۳۰ غیر قانونی اعلام شده بود، پرکنند. ما خیلی زود این تلاش تا کسب نامند، چرا که حزب توده‌های انقلابی آمریکا (A.P.R.A.) عمل کنترل فاش خود برای سازمان، از آن بمناسبت به بیاری جهت زیر فشار قرار دادن بخش‌های پیشرو جنبش طبقه کارگر پرو استفاده کرد. و بدینگونه کنفدراسیون کارگران پرو (C.T.P.) رفته رفته به سازمانی زرد در جنبش کارگری تبدیل شد و بدینجهت تبدیل که بمناسبت به بخش پروشی سازمان ارتجاعی "انستیتوی آمریکایی برای گسترش - نیویورک" از اد "در میان توده‌ها شناخته شد.

اما سقوط "کنفدراسیون کارگران پرو" به این ارتجاع‌قارهای، نمی‌توانست چیزی جز زتاب روند انحطاط امپریالیسم باشد. دیگر "غلبه گوییهای" ها یا دالاتوه رخت سومیست، شعار پروولتاریای پرو با تکیه بر خود قیام کن! جای شایسته بیانی آرام داده بود: "امپریالیسم برای توسعه آمریکا لاتین ضروری است و تنها" مبارزه ما مبارزه با کمونیسم است." امپریالیسم آمریکا نیز دیگر بر سر "ها یا دالاتور" بمناسبت "مزدور شوروی"

نگریست. او کم کم به امپریالیسم تبدیل شده بود. اما حزب "ها یا دالاتور" یعنی "A.P.R.A." که بیشترین پشتیبانان خود را در میان کارگران سواحل شمالی کشوریا فته بود، هنوز هم بیشترین تلاش خود را در پنهان نگاه داشتن مواضع "توین" خود از توده‌ها بکار میبرد و هم چنان در شیپور تبلیغاتی خویش میدید که "امپریسم همانا امپریسم است و ها یا دالاتور همان ها یا دالاتور است"

دگرگونیهای که در ساختار اقتصادی پرو، پس از جنگ دوم جهانی به وجود آمد و بیشتر به آنها اشاره شد، در اوایل دهه پنجاه رفته رفته در قلمرو سیاست نیز زتاب می یافتند. اولاً افول اهمیت اقتصادی بخش کشاورزی ما دراتی که هموما "شمال کشور در تولید محصولات آن دست داشت، منجر به کاهش اهمیت سیاسی این منطقه در حیات اجتماعی پرو شد. ثانیاً "جریان بی‌وقه سریع مهاجرت از روستا به شهرهای بزرگ و ویژه به لیما که در این زمان رونق صنعتی شدن شتابان را طی میکردند، موجب تغییراتی در ترکیب طبقات اجتماعی شد. مهاجرین جدید بنیال - وسیله‌ای "دیگر میگفتند"، "وسیلای" که بتوان آنرا جایگزین آپرا () و "امپریسم" کرد که تجربه چند دهه، بیسی پرسنیسی و بی لیاقتی خود را در پاسخ کوشی به خواست‌های تاریخی زمینکنان نمایانده بود. رفرم مس بورژوازی در سال ۱۹۵۶، منادیرا جدید شد.

"حزب کنش مردمی" (A.P.)، بمناسبت به جزبی بورژوا - رفرمیست با رهبری "فرناندو بولونده تری" این مهاجران نیز از روستا کنده شده را به جانب خود جلب کرد در این حزب دیگر نه ازاد و فربای دهای یشوع آور "ها یا دالاتور" خبری بود و نه ازیرتا مه عمل کارگری که این روستا نشینان بنگانه با شهر تولید بزرگ را بهراساند. در این حزب گویسا همه برادر و برهبری پر کردن جنبه‌هایشان بودند و این را به مراحت میگفتند. و درست بخاطر داشتن چنین مراحت بیانی نیز از حمایت کلیسای کاتولیک برخوردار شدند. بهر و حزب "فرناندو بولونده تری" با داشتن چنین پشتیبانانی از میان کارگران سازمان نیافته، بخش - های میانی شهرها و روستاها، کلیسای کاتولیک و جناحی از بورژوازی صنعتی که از سلطه لیگاری سنتی ریمیده بود، توانست در سال ۱۹۶۲ در انتخابات - ریاست جمهوری "حزب توده‌های انقلابی آمریکا" (A.P.R.A.) را شکست دهد و بر مست قدرت دست یابد. اما در سوی دیگر، فعل انفعالاتی دیگر در حال شکل‌گیری بود. جنبش دهقانی تحت تاثیر رادیکالیسم مردم فزاینده "جنبش کارگری در شهرها"

رفته رفته گسترش مییافت. در اوایل دهه ۱۹۵۰، روستا‌های پرو شاهد صدها مورد ممانعت زمین از سوی دهقانان تهدید شد. رهبری چنین مبارزاتی را "کومونروها" که از اعضای اجتماعات بومی بودند، در دست داشتند. در اطراف ایالات "سکو" و "خونین"، "ها سینداها" بسیاری توسط کومونرو - ها ممانعت شدند. در جوان این ایالات، ایالات دیگر "بانام کورکو" برای - نخستین بار با زمان نیایی توده‌های دهقانی را تجربه میکرد. در میان دره - های "کنونسیون"، پیشروان جنبش دهقانی به رهبری "هوکوبلانکو" سازمان - دهی توده‌های کلون را آغاز کردند. کلونها، دهقانانی بودند که بیرونی - ها سینداها را میگرداند و از برای این کار قطعه زمین کوچکی را برای کشت در اختیار داشتند. مبارزات دهقانان ایالات کورکو "در گسترش خود ایالات دیگر را نیز در بر گرفت. نخستین اتحادیه‌های دهقانی که در دره کنونسیون برپا شده بود، میرفت تا به اتحادیه سراسری دهقانان پرو تبدیل شود. به دنبال پرچم گسترده‌ای که روی آن شعار

نوشته شده بود، هزاران هزار دهقان - پروشی برای افتاده بودند تا زمینهای را که پیش از فتح بیروست اسپانیایا به اینان تعلق داشت و اینک در کف مالکان بزرگ و شرکتهای زراعی بود، تصرف کنند. ایشان پس از اشغال هر قطعه زمین، از دولت مرکزی بلافاصله تقاضای به رسمیت شناختن مالکیتشان و صدور سند مالکیت میکردند. لیگاری سنتی پرویختم آمده بود و مالکیت زمین را همچنان برای خود مقدس میشمرد. و بدینگونه ما لهای ۶۳ - ۱۹۶۱ شاهد یک سلسله برآمدهای دهقانی بود که اینها جان جا گهگا حتی بگونه شورش دهقانی نیز متجلی میشد. با سخا لیگاری سنتی به این برآمدهای توده‌ای برای ممانعت زمین گلوله بود و پس، مبارزان مالکان بزرگ با تشکیل باندهای سیاه سرکوب، نخستین گلوله‌ها را شلیک میکردند. به علاوه این ارتش پرو بود که به آنها نه باز گرداندن امنیت به کشور، تمهید قلع و قمع کامل یک برآمد توده‌ای را بردوش میگرفت.

این سالها، سالهای بود که در سراسر آمریکا لاتین، پس از پیروزی انقلاب کوبا، و روند تکوینی که این انقلاب داشت، یک رشته دگرگونیهای در میان گروه‌های سیاسی سنتی کشورهای این قاره پدید آمد. پرو نیز نمی‌توانست از این قاعده مستثنی باشد. انشعاب پس از انشعاب تمام مییسی سازمان‌های سیاسی پرو را در می‌پوشید.

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رها ئی بخش



زنده باد انقلاب پرو

بقیه از صفحه ۴

رفرمیسم سنتی در احزاب سنتی رنگ می باخت و پوپولیسم پراکنی بی آرویه گوشه ای میخزید. انشعاب، نخست حزب توده های انقلابی آمریکا (A.P.R.A) را فرا گرفت "آپرا ربلده" (APPARAREBLED) محصول این انشعاب بود که با هدف منزه کردن خود از سیاست محافظه کاران که حاکم بر حزب توده های انقلابی آمریکا (A.P.R.A) پدید آمد. اینان با یکی از چندین گروه معتقد به تئوری کانون - شورشی متحد شدند و حاصل آن سازمانی بود که نام "جنبش چپ انقلابی پرو" (M.I.R) بر خود نهادید. این جنبش چپ انقلابی پرو (M.I.R) بیانگر دوره جدیدی در راه تشکیل حزب انقلابی - پرولتاریاست. این دوره با تجربه انقلابی "میرو" تحت رهبری "لوئیس اوسدا" آغاز گشت و دستاوردهای مهم آن گسست از دهها سال رفرمیسم وجهت گیری مبارزه برای تسخیر قدرت دولتی مشابه طلقه اصلی گسترش و تکامل تئوری - انقلابی و ارائه راه حل انقلابی برای حصول وحدت نیروهای چپ و همبستگی حمایت از وحدت تئوری و عمل بود.

در سال ۱۹۶۵ چهار رجه جنگ چریکی در ایالت "کوزکو" برپا شد. گسترش مبارزه مسلحانه از دهه های "کنواسیون" چنان بر سرچهره این مبارزه منبافیت، که خیلی زود آوازه آن تا لیمای دور دست نیز گشاده شد. برپا شد چنین جبهه ها که از بیورد مسلحانه، خیلی زود به طغیانی شدن نیرو - های سیاسی سنتی کمک کرد. "حزب کمونیست پرو" با برافراشتن پرچم همزیستی مسالمت آمیز در مقیاس ملی خود را از آنچه که در "کوزکو" میگذشت بیگانه خواند. "آپریم" سراسیمه در کنار نظامیان و هواداران "اودریا" دیکتاتور پیشین قرار گرفت. چرا که حمایت گسترده دهقانان از برنامهم "جنبش چپ انقلابی پرو" () مترادف بود با روی برگرداندن اینان از پوپولیسم پراکنی که هر دم در برابر برنامهم عمل چپ انقلابی برای پاسخگویی به خواسته های مشخص توده های اکثریت دهقانی، رنگ میباخت.

امپریالیسم آمریکا با کسب داشتن صدها مشاور و هدشورش به پرو و هراس خود را از برپا شدن کوبانی دوم به عینه نشان داد. و شرکت بین المللی نفت که بخش پروری شرکت ساکسون (Saxxon) بود، با تهیه مبنای الم و قرارداد آن در اختیار نظامیان برای بمباران مناطق کوهستانی که چریکهای "میز" در آن سر میبردند، رسالت سرما به را بدوش کشید.

اما اینها بخودی خود تنها دلایل شکست جنبش مسلحانه که میرفت تا در گسترش خود، سراسر کشور را در نوردد، بنیود رشته ای از ضعف های سیاسی - تشکیلاتی و برنامهم ای و فقدان چشم اندازی روشن از فعل انفعالات مبارزه طبقاتی را می

توان بمانا به سنگ پا به علل شکست جنبش بحساب آورد. نیروهای مسلح "میوسر" در برابر برتیا جم مرکبا، رمزدوران سرمایه، مجبور به عقب نشینی از دره "کنواسیون" به اطراف "فراپلازا" و به دامنه های ترقی کوههای "آند" شدند.

این شکست و نیز پیروزی های که بدین ترتیب الیگارشی سنتی پرودر سرکوب جنبش دهقانی بدست آورد، نقطه عطفی در تاریخ معاصر پرو محسوب میشود. هر چند که بدین چنین نقطه عطفی در آن - مقطع تا به مشکل منظر می رسید، اما بخش - های مختلف جامعه پرو با جمع بندی های متفاوتی که از این رویداد ارائه کردند و نیز تلاشی که در جهت دگرگونی استراتژی - شان برای صیانت منافع طبقاتی خویش بکار بردند، مبین مرحله جدیدی از مبارزه طبقاتی بود.

برای الیگارشی زمیندار، نوشته - های روی دیوار که مشخصاً "دگرگونی ای رادرنظام تولیدکنندگانی طلب میکرد، یا داد و فرافروانی بود که زمانی از سوی سیاستمداران ربرزیلی اعلام شده بود" پیش از آنکه مردم انقلاب کنند، ما خود باید انقلاب کنیم". اصلاحات ارضی شاید کمتر از آنچه مالکان میبنداشتند، برایشان خطر در برداشت. اما مکانات سوددهی - سرما به گذاری در صنعت رفته رفته مطرح میشد. برخی از مالکان ارضی، زمین - هایشان را به اجاره مستاجرین گذاشته و برخی دیگر با قطعه قطعه کردن زمین و فروش آن، به استقبال ترک روستاها رفتند.

برای نظامیان رویداد ۱۹۶۵، - ضرورت برداشتن هر چه بیشتر و هر چه مستقیم تر به مسائل سیاسی جامعه را - مطرح کرد. اما برای جنبش چپ انقلابی - شکست ۱۹۶۵، بمنزله درهم ریختن پنداره های خوش باورانه ای بود که بر اساس آن صرف برپا شدن جبهه نبرد مسلحانه بدون برداشتن به مرتدوین تئوری (L - L) انقلاب بدون پاسخگویی به بنیادین تئوریک و استراتژیک جنبش گویا میتوانست ضامن برابری و برتری انقلاب باشد. عمل گراشی رنگ باخت و توجهی جدی به نقش طبقه کارگر و حزب پیش فراولش در مبارزه طبقاتی برای انجام انقلاب پرولتاری مطرح شد. چسب انقلابی دانست که عمل گراشی تاب - پاسخی لنینی به رفرمیسم پیوسیده، جنبش طبقه کارگر نیست و هم از این روگرایش همه جا نبوده در جهت مبارزه بدولت و رژیم اصولی در جنبش کمونیستی پرورش گرفت. پیروزی "فرناندو بلونده تری" در انتخابات سال ۱۹۶۲ "ها یا دالاتوره" - گام دیگری بود در راستای فریاد - های پوپولیسم پرو. پیروزی دگرگونی عمل میگرد. این بار "ها یا دالاتوره" در مبارزه با "فرناندو بلونده تری" با دشمن در برین یعنی ژنرال "مانوئل - اودریا" و برخی زمالکان بزرگ ارضی نظیر "پدروبل تران" اختلاف کرد. این اختلاف عملاً تمام می سیاستهای پیروزی رفرمیست به رهبری "بلونده تری" را قلع کرد.

از سوی دیگر بریدن هر دم فزاینده

پا به های کارگری "حزب توده های انقلابی آمریکا" لاتین، از این حزب روز به روز چشمگیرتر میشد. دلیل عمده آن را باید در حمایت همه جانبه "آپرا" از کنفدراسیون کارگری پرو (C.T.P) که چیزی در حد ابزار بومی انستیتوی آمریکا - نی برای گسترش نیروی کار آزاد بود، جستجو کرد. کنفدراسیون کارگران پرودر طول سالهای بحران اقتصادی که نهایتاً به سرنگونی رژیم بلونده در سال ۱۹۶۸ منتهی شد، عملاً "آپرا" زهرگوشه مبارزه کارگران برای سوابد بیشتر و شرایط کار انسانی تر مخالفت میکرد. در اواسط دهه ۱۹۶۰ بخشهایی از جنبش کارگری به مخالفت با هژمونی آپریم در چندین فدراسیون کارگری قیام کردند. چشمگیریترین اعتراضات در جریان اعتصابی رخداد که در سال ۱۹۶۴ از سوی فدراسیون کارگران فلزکار فراخوانده شده بود. به انشعاب در کنفدراسیون کارگران برانجا میشد. اکثریت جدا شده از (C.T.P) و اقلیت هوادار آپریم مانده در (C.T.P) هر روز بیشتر از پیش از نقش کنفدراسیون کارگران پرودر جنبش کارگری را برقرار و بر اهمیت کنفدراسیون عمومی کارگران پرو (C.G.T.P) افزوده. در ژوئیه ۱۹۶۸، (C.C.T.P) که بنیان گذاران "ماریاتگی" بود با برپا شدن کنگره ای که منتخبان از ۱۴۰۰۰۰ کارگر پرویی بود، همبستگی تاریخی خود را با سنتی که سی سال از عمرش گذشته بود، آشکار کرد. گسترش سوا قع سریع کنفدراسیون عمومی کارگران پرو و نقش که در پیینه مبارزات روزمره کارگری بازی میکرد، آنچنان بود که دیگر حتی "حزب کمونیست پرو" را نیز از دست نمود تا دست از حمایت کنفدراسیون کارگران پرو (C.T.P) بردارد. ادا مه دار

بامبارزه متحد خود از ...

ویکیا رجه به محکوم کردن این سیاستها ارتجاعی رژیم مبارزه علیه آن برخاسته در این رابطه وظیفه سنگین به دوش همسر نیروهای انقلابی، آگاه و مترقی قرار دارد. با بداین سیاستها رژیم را بطور وسیع آفتاب کرد، به سازماندهی اعتراض علیه این سیاستها و یکپارچه کردن آنها اقدام فوری عمل آورد و برای بازگرداندن تصفیه شدگان به سرکارها ایشان مبارزه وسیعی را آغاز کرد. تنها با مبارزه با رجه و متحدانست که میتوان با این سیاستها به مقابله پرداخت. خواستار توقف با کمازی، لغو امتحان گزینش، کلیه محدودیتهای شغلی، خواست آزاد عقیده در مدرسه، بازگشت تصفیه شدگان آزادی دستگیر شدگان، و... در زمهره ابتدائی ترین درخواستها شست که میتوان وسیع ترین بخش نیروها را در مدارس حول آنها متشکل کرد و یک مبارزه پیروزمندانرا علیه سیاستهای رژیم حاکم در مدارس رهبری نمود. تنها اقدام متحد و متشکل معلمان و محصلین قیام است، سدی استوار در برابر سیاستها ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در مدارس

بقیه در صفحه ۴

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

بامبارزه متحد خود از اخراج

و تصفیه وسیع معلمین

جلوگیری کنیم

بقیه از صفحه ۱

تصفیه گسترده این دانش آموزان آغاز خواهد شد. طبق لیست قرار است تعدادی دستگیر و زندانی و احیاناً "اعدام شوند" و تعدادی نیز از مدرسه اخراج میشوند و مدارس دیگر نیز حاق شیت نام آنها را نخواهد داشت یعنی این فرزندان مبارز خلق از تحصیل محروم خواهند شد و از دست آخر نیز با گرفتن تعهد و یا ندادن متناهی شیت نام خواهد شد تا کاملاً تحت نظریاتند که مبادا دست از پا خطا نکنند و خدا یکرده کلامی علیه رژیم جمهوری اسلامی و امام امت بر زبان برانند و باغی و ملحد شوند و حکام شرع "مجبور" شوند آنان را - دستگیر کرده و در دادگاه های شرع محکوم نمایند.

عین همین مسئله در مورد معلمین و دبیران نیز صورت گرفته است منتها با این تفاوت که اگر در مورد دانش آموزان لیست شامل دانش آموزانی است که سابقه فعالیت داشته و یا مظنون به فعالیت هستند، در مورد معلمین و دبیران به این هم بسنده نشده است، یعنی نه تنها معلمین و دبیران مبارز مظنون به فعالیت شامل با کسای میباشند بلکه علاوه بر آن کلیه کسای معیارهای "مکتبی" جمهوری جورد در دنیا بینه مشمول با کسای میشوند و به همین منظور - بسیاری از معلمین و دبیران امتحان گزینش که شامل یک امتحان کتبی و مصاحبه شفاهی است بعمل میآید تا مطمئن شوند که آنها واقعاً "مکتبی" و وفادار به جمهوری اسلامی میباشند. بررسی سئوالات امتحان کتبی و مصاحبه شفاهی نشان میدهد که فقط کسائی می توانند به این سئوالات پاسخ دهند و قبول شوند که نه تنها متدین و آگاه به مسائل دینی باشند بلکه طرفدار رد و آتشه حزب جمهوری اسلامی و حزب الهی باشند. - مثلاً در کنار سئوالاتی از قبیل تعداد رکعت های نماز شب، خواندن دعای کمیل، مصلحات نماز زوروزه و... سئوالاتی نظیر آیه ولایت فقیه در قرآن، شناخت از نظر اسلام و مطهری، علل انقلاب اسلامی، تعریف ایدئولوژی، آیت الله های مورد اعتماد، محل شروع تشیع جنازه - مطهری، بهشتی، رجا شو... نخستین کسی که پس از انقلاب به لیبی سفر کرد و سپس از با زکشت چه گفت و غیره... قرار دارد. مثلاً در مورد مصاحبه کننده سئوال میشود که آیا در نماز جمعه شرکت میکند، یا نه؟ و در صورت جواب منفی رد میشود و در صورت پاسخ مثبت برای حصول اعتماد دیرینه میشود در فلان جمعه در نماز جمعه چه کسائی

حجت کردند، خطبه ها چه بوده و غیره... و مسلماً "تنها حزب الهی های دوازده تنه و صرفاً افراد متدین و معمولی میتوانند به این سئوالات پاسخ مثبت داده مکتبی و حزب الهی بودن خود را اثبات کنند، البته مسئولین مکتبی امورا آموزش به این هم قناعت نمیکنند و از شخص می خواهند که چهار نفر از همکاران خود را معرفی کنند تا توسط آنان درباره وی تحقیق کنند، و آدرس را نیز میگیرند تا از همسایه های محل سکونتش درباره اش تجسس کنند. اما به همین اندازه نیز اکتفا نمیشود. سئوالاتی از شخص مصاحبه کننده میشود که او را و آدرس او را سوسی و اثبات وفا در پیش به حکومت نماید. از شخص مصاحبه کننده خواسته میشود که پنج نفر از هواداران یا اعضای سازمان مجاهدین خلق یا سایر گروه های سیاسی رادربین آشنایان و فامیل خود معرفی کند. و کسای نیکه نتوانند با پاسخهای قانع کننده مسئولین امورا راضی نمایند فاقداصلاحت شناخته شده و با کسای می شوند.

هم تعداد زیادی از معلمین و دبیران بدین طریق از کار بیگانه شده اند بسیاری از تصفیه شدگان دارای سابقه تدریس چندین ساله بوده و فاقدهرگونه سابقه فعالیت علیه رژیم جمهوری اسلامی میباشند و فقط بدلیل اینکه حزب الهی دوازده تنه نبوده اند، با کسای شده اند و در این شرایط سخت اقتصاد، بیکاری، گرانی و... با داشتن چندین فرزند و تکفل خانواده محتاجان شب خود هستند و تمامی کوششها و مراجعات شان بسبب آموزش و پرورش برای بازگشتن بکار بی نتیجه مانده است و در وضعیت غیر قابل تحملی بسر میبرند.

علاوه بر همه اینها کوچکترین اعتراضی در مدرسه با اخراج پاسخ داده میشود. در هفته اخیر معلمین و دبیرانی که در مدارس دوسره از تشبیر هفتگی بیرون آمده اند ناراضی بودند تهدید به اخراج شده اند و آدرسها آموزش و پرورش اعلام کرده که هر کسی که این شرایط را قبول نکند اخراج خواهد شد. و با این ترتیب ابتدا شیترین خواستهای صنفی نیز با اخراج و زندان پاسخ داده میشود، و تکلیف کسائی که بمبارزه صنفی و یا سیاسی دست بزنند بخودی خود روشن است.

این واقعیتی است انکارنا پذیر که معلمین و دبیران زحمتکش ایران از آگاه ترین بخشهای جامعه میباشند، آنها در شرکت و فعالیت خستگی ناپذیر خود حقوق بسیار کمی دریافت میکنند که بزحمت زندگی بخور و نمیران را تا مین میکنند. معلمین و دبیران ایران دارای سنتهای ارزشمند مبارزه علیه رژیمهای ارتجاعی در ایران هستند، مبارزات خانگیها، صمدبهرتگیها، بهروزدهقانیها، گرمی بیانیها و... و صدها و هزارها معلم مبارز میهن ما هرگز از خاطره توده های زحمتکش میهن ما نامحسوس نخواهد شد و اقدامات ارتجاعی و ضد انسانی حکومت جمهوری اسلامی نیز نخواهد توانست جلوی مبارزات انسان

را سد نما بد. و همین واقعیت است که رژیم را وادار به اقدامات لجامگسیخته و دیوانه وار علیه این قشر زحمتکش و آگاه میکند.

حکومت فاقدهایکا هدر بین معلمین و دبیران میباشند و حزب الهی ها اقلیت بسیار محدودی را در بین آنان تشکیل میدهد. حکومت در این مسئله بخوبی آگاهی دارد که این نیروها آگاهانه و وظیفه تعلیم و تربیت قریب به نه میلیون دانش آموز را بعهده دارد و خطر عظیمی برای وی و بشما رمیآید. نقش معلمین و دبیران و دانش آموزان کشور در مبارزه برای سرنگونی رژیم دیکتاتور شاه بسیار مهمان معلوم و آشکار است. رژیم کنونی نیز که مدارس را یکی از کانونهای اصلی مبارزه میداند، میکوشد تا با برقراری جو خفقان و اختناق اخراج معلمین "فیسر مکتبی" جلوی گسترش مبارزه را سد نماید. و بقول خود شاکمیت حزب الهی در - مدارس برقرار کند. البته اگر این کوششهای ارتجاعی خود موفق نگردد که چنین نیز خواهد شد، حتی از تعطیل کامل مدارس نیز خودداری نخواهد کرد. -

همانگونه که قریب یکسال و نیم در نگاه - ها را تعطیل نموده، مدارس را نیز - ممکنست تعطیل نماید. اقداماتی که رژیم در مدارس به آن متوسل شده، نه تنها در رژیم گذشته بلکه در هیچ کجای دنیا نظیراً ترا مشاهده نگردیم که اینگونه با وقاحت و بیشرمی ابتدا شیترین حقوق مردمی و انسانی به زیر پا نهاده شده و با پمال گردانند. نظیر حکومت کنونی کسای نیکه حزب الهی نباشند حق حیات و زندگی هم ندارند. اینجا دیگر حقوق و آزادیهای سیاسی و دمکراتیک توده ها و معلمین و دبیران نیست که نقض میگردد، بلکه ابتدا شیترین حقوق انسانی و صنفی است که پامال میشود.

این اقدامات هر چند بطور موقت سکوتی را در مدارس ایجاد کرده، اما نفرت کارکنان و معلمین از رژیم را به نهایت درجه تشدید کرده است و در آینده - ای نه چندان دور تشبیر و کینه عمیق آنان نسبت به این اعمال غیر انسانی در اعتراضات گسترده آنان علیه رژیم متجلی خواهد گشت. هم اکنون نخستین نشانه های اعتراض، هر چند بطور فردی و ضمنی صورت میگیرد. کسای نیکه امروز در نتیجه تنگدستی و ناچاری، با چشمان گریان به مسئولین امورا جمعه کرده و تقاضای بازگشت به کار میکنند و بدون دریافت پاسخنطقی بازمیگردند، فردا با مشت های گره کرده برخواهند گشت. اخراج و تصفیه در انتظار کلیه کسائی است که از ابتدا شیترین حقوق صنفی خود دفاع میکنند، در انتظار کلیه کسائی است که حزب الهی نیستند. رژیم نیز با پامال معلمین اقدامات قدر نیست دبیران، معلمین و دانش آموزان را حزب الهی کند، بلکه حکم مرگ خود را صادر میکند.

نباید اجازه داد که ابتدا شیترین حقوق صنفی و انسانی و شرافت معلمین و دبیران پامال گردد. با بد بطور متحد

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

«خیرات جنگ» از کیسه توده ها

رژیم جمهوری اسلامی و خمینی جلاد از همان ابتدای جنگ قریبا دبراً و رندودر مورد خیرات و مبررات آن سخن گفتند. هر چند از ابتدا روشن بود و با رها تکرار کردیم که جنگ ارتجاعی دزلهای ایران و عراق برای زحمتکشان هیچگونه شمیری بجز فقر و فلاکت، بدبختی و بیخانمانی به بار نخواهد آورد اما اینک بروشنی منظور رژیم از خیرات جنگ معلوم گشته است.

خیرات جنگ برای توده ها، بیش از هر میلیون آواره، شهرهای ویران و خاک یکسان شده، نابود صناع عظیم جنوب و پالایشگاههای نفت، گرانسراسر آوار و کمبود جناس است. خیرات جنگ برای توده های زندگی در اردوگاههای آوارگان یعنی نبود بهداشت، مسکن و حتی نان است. خیرات جنگ دهها هزار گشته و مجروح و معلول است. خیرات جنگ برای خلق کشتار جوانان و همبازارگان کودکان و زنان و پسر مردان است.

اما کیا لعن خیرات جنگ برای سرمایه داران، زمینداران و رژیم که بدرستی مستحق خیرات است. سودهای کلان از جمله ۱۲۰ میلیارد تومان، احتکار، گرانفروشی، سرکوب هر اعتراضی به پها نه جنگ، فشار در جهت افزایش استثمار... تنها ما به بهانه جنگ، بهره برداریهای کلان از کمک های توده ها برای جنگزدگان... همه و همه خیرات جنگ برای رژیم و سرمایه داران بوده و هست.

یکی از خیرات اساسی و قابل توجه جنگ با زسازی و انسجام بخشیدن هر چه سر به توبه ارتش ضد خلقی و پیشبردهر چه بیشتر آن در جهت بقای وظایف یکارگان سرکوب مطمئن و قوی بوده است. آنگاه که ارگانهای سرکوبگر بورژوازی بر اثر خیزش توده ها و و جگری مبارزه طبقاتی ضربه میخورند و از هم میپاشند با تشبست و نا فرمانی بر آنان حاکم میگردند و انقلاب در موفشان نفوذ میکند، بورژوازی جهت با زسازی و تحکیم آن اقدام میکند، یکی از بهترین شیوه های این عمل در گریز کردن ارتش و نیروهای سرکوبگر در جنگ است. بورژوازی به بهانه جنگ - که مسلماً برای پیشبرد منافع مطامع خود بر اه می اندازد - ارگانهای سرکوبگر خود را صیقل میدهد و از درون جنگ ارتشی منسجم و در عین حال قهرمانی و "خلق" بدرمی آورد و بدین طریق مقاصد ضد خلقی خود را به پیش میبرد.

فدا انقلاب حاکم که به مجرد کسب قدرت - تمامی قدرتش را در خدمت جلوگیری از زمام گرفتن ما شین دولتی بورژوازی بکار گرفت از ابتدا سعی کرد با بقای فرماندهان آریا مهری و حفظ قوانین ضد خلقی

ارتش ساخت این ارگان سرکوب را حفظ کند اما سطح شدیدا فته مبارزه طبقاتی با و اجازت نداد تا چنین روش مستقیم و عربانی را بخوبی بد پیش برد. چنانکه تا حدی بودیم اعتراضات بسیاری از سوی پرسنل شکل گرفت و بهر رو ارتش به این سیاست تمکین نکرد. رژیم ارتش را در جنگ کردستان درگیر کرد و بدین طریق کوشید سیاست با زسازی - آنرا تداومی سریع بخشد. هر چند تبلیغات زهر آگین رژیم در مورد کردستان بر زمینه توهم موجود نسبت به "بالائشیا" تا حدودی موثر افتاد اما بهر رو آن موج شوونیسم و ناسیونالیسم کوری که لازم بود تا جلوی هر گونه اعتراض و حرکتی در مقابل با زسازی سیستم ضد خلقی ارتش را سد نماید، بدین وسیله ایجاد نشد، هر چند این عمل دریا - سا زسیاسی از قسمتهای ارتش موثر بود اما جنگ عراق آن روندی بود که بدرستی میتوانست ارتش را صیقل دهد و این بزرگ ترین - و یا یکی از بزرگترین - خیرات جنگ برای رژیم بود.

با یادگفت این مساله در مورد تمامی نیروهای مسلح رژیم کم و بیش صادق است. اما در هر یک ویژگی های خود را میباید. - مثلاً در مورد سپاه سلطنت در گریبهای وسیع شهری و شرکت وسیع در سرکوب توده ها این روند بیشکل دیگر و از جوه دیگر عمل میکند. رژیم با اتکا به جنگ ارتجاعی بسیاری از سیاستهایی را که در زمان صلح به هیچ رو نمیتوانست بسازدگی پیش برد به پیش برد. سیاست تسلیمات و خریدهای میلیاردر - دلاری از امپریالیستها را به بهانه جنگ سازمان داد و سهم کلانی از بودجه را به آن اختصاص داد. برآ حتی مذاکرات و معاملات با آمریکا و دیگر امپریالیستها و حتی اسرائیل شکل گرفت و حتی در وجه علنی - اما با زهم نه بهانه جنگ به پیش برده شد. از سوی دیگر سیستم اطاعت کورکورانه بار دیگر با شدت تمام بکار گرفته شد. جنگ به رژیم اجازه داد که هر گونه اعتراض در ارتش را سرکوب کند، هر گونه فکرو اندیشه در مورد شورا را با جماعی سرپیچی و شرایط جنگی بکوبد و تجمعات و فرماندهان خائن آریا مهری را مجدداً "بکار بگیرد، کودتاچیان را آزاد کند و... جنگ به رژیم اجازه داد جدائی پرسنل ارتش از سیاست یعنی ایجاد ارتشی شاهانه را بکار بندد و دوباره این مساله را مطرح نماید که "ارتش چراندارد".

در این مورد میتوان به نقطه ای خمینی مراجعه کرد و دید که چگونه به بهانه جنگ - اطاعت کورکورانه از فرماندهان، و عدم دخالت در مسائل سیاسی را فرمان میدهد. و میتوان سخنرانیهایی فلاحی مزدور را دید که چگونه سیستم آمریکائی ارتش را تبلیغ میکند. سران رژیم فرماندهان ارتش بار

ها و بارها در مورد ایجاد انسجام و هماهنگی در ارتش - به معنی انسجام و یکپارچگی در خدمت امپریالیسم - تبلیغ کرده اند. مثلاً "معین پورفرمانده نیروی هوایی در مصاحبه تلویزیونی اش (شنبه ۶۰/۷/۱) چنین میگفت "این جنگ اثرات بسیار - نیکوئی داشته است، بخصوص در نیروی - هوایی، بطوریکه نیرویی که داشت کم کم مضمحل میشد به چنان انسجام و یکپارچگی رسید و با زسازی شده است".

هر چند که تمامی سران رژیم از خیرات امپریالیسم پسند جنگ سخن میرانند اما اینک دیگران موج شوونیسم فروکش کرده - است و از سوی دیگر اعدای ما یوحشیانه و سرکوب مبارزات توده ها به شکل عربیان و فاشیستی آن بدرستی ما هیت رژیم را به عنوان عمده ترین سد در مقابل انقلاب - عیان کرده است. اینجا است که با ردیگر وظایف سنگین پرسنل انقلابی ارتش نمایان میگردد. با بدتجارب قیام را بیاد آورد و بکار بست.

اینک ارتش در شرایطی قرار دارد که بهر رو بهر رود در روی مستقیم توده ها کشتانده خواهد شد. هر چند اینک این مساله شکل گرفته است، این رود در روی میتواند اشکال گوناگون بخود بگیرد. از طرفی رژیم که اینک ارتش را بعنوان چماق خود در جنگ صیقل داده است مسلماً "در شرایط بسیار بحرانی و در مقابل و جگیری مبارزات خلق میخواهد ارتش قهرمان و محبوب خود را به خبا با آنها بکشد. و از طرف دیگر امپریالیسم که توسط فرماندهان مزدور و شبکه های سلطنت طلبان در ارتش رخنه دارد و قصد دارد پس از پیشبرد سرکوب و کشتار نیروهای انقلابی توسط رژیم که مسلماً خودشان را نیز ضعیف خواهد کرد - ارتش را به خبا با آنها آورده و از "بکیار چگی و انسجام" ارتش بسود خود بهره برداری نماید. در - این شرایط پرسنل زحمتکش ارتش نقش حساسی بعهده دارند. رده های پایه شینی ارتش عموماً "از میان زحمتکش ترین اقشار جامعه اند و بیوندهای تنگاتنگ با توده ها دارند و در عین حال در سیستم ضد خلقی ارتش تحت شدیدترین فشارها قرار میگیرند. وظیفه تمامی نیروهای خلقی درون ارتش اعم از سرباز، درجه دار، افسر، هما فرو... پیش بردن انقلاب در درون این ارگان است.

با بدسیاستهای ضد خلقی رژیم و مقاصد شوم امپریالیسم در مورد ارتش را بشدت افشا نمود و ایده تشکیل ارتش خلقی را ترویج و تبلیغ نمود و معنای آنرا برای اقشار پایه شینی ارتش شکافت، با بد جهت ایجاد شکل های گاملاً "مغنی در ارتش به بقیه در صفحه ۱۵

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

مرگ سادات و اعتلاء جنبش نوده‌ای در مصر

تحولات چند ماهه اخیر مصر که در هفته گذشته به تروانورالسادات رئیس جمهور مزدور مصر انجامید، در چند روز گذشته محور بحث و گفتگوی تمام مطبوعات و رسانه‌های گروهی جهان بود. مطبوعات کشورهای امپریالیستی و سران دولتهای بورژوازی، این مزدور و سرسپرده امپریالیسم را بزرگترین شخصیت سیاسی معاصر و متحدان کبیرا و مثالهمتا میدانند، اما از دیدگاه نوده‌های زحمتکش سران جهان به ویژه توده‌های منطقه خاورمیانه عربی، او مزدور و سرسپرده امپریالیسم دشمن آرمانهای والای زحمتکشان مصر، دشمن خلقهای تحت ستم منطقه و یکی از دشمنان سوگند خورده خلق قهرمان فلسطین بود.

سادات که پس از مرگ جمال عبدالناصر با با زداشت و سرکوب مخالفین از جمله طرفداران ناصر خود را به رهبر بلانازع رژیم مصارتقاء داد، در مدتی اندک بهترین و نزدیکترین مناسبات را با دول امپریالیست برقرار نمود و پس از آن با انعقاد قرارداد "ملح" با رژیم صهیونیستی اسرائیل، در یوزگی خود را در آستان امپریالیسم درخند اعلای خود با ثبات رساند. گرچه سیاستهای داخلی و خارجی رژیم سادات برای بسیاری از دولتهای مترقی و انقلابی جهان و توده‌های عرب منطقه هماهنگ نبود که به هیچوجه انتظار آن را نداشتند اما واقعیت اینست که روی کار آمدن سادات و اتخاذ سیاستهای داخلی و خارجی او بهمان اندازه طبیعی بود که اجتناب ناپذیرا سادات محصول طبیعی و اجتناب ناپذیر شد مناسبات سرمایه‌داری وابسته در مصر، محصول اجتناب ناپذیر نظام اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جمال عبدالناصر و بالاخره محصول اجتناب ناپذیر "راه رشد غیر سرمایه‌داری" بود که مصر رهبری کننده آن بود. ناصر علیه تمام آرمانها و آرزوهایش به رشد نظامی اقتصادی - اجتماعی و سیاسی همگام گماشت که شمره آن نمیتوانست چیزی جز رژیم سادات باشد. در او خود دوران حکومت نا صر شد سرمایه‌داری و مناسبات بورژوازی بنحیثی مرحله‌ای از تکامل خود رسیده بود که خود را که رشد دهند این مناسبات بود، زائده ساخته بود.

رشد سرمایه‌داری مرحله رسیده بود که می‌بایستی تمام مقید و بندها را شکسته و به نظر میرسد سر راه خود بردارد و پیش از پیش با غش سرمایه‌داری جهانی پناه نبرد، و سادات - نماینده این رشد سرمایه‌داری وابسته نماینده بورژوازی بزرگ بود که رسالت پیوند هر چه نزدیکتر بورژوازی مصر را با سرمایه جهانی برعهده گرفت و تمام این سیاستهای داخلی و خارجی خود را در خدمت این اهداف بکار گرفت. راز بقدرت رسیدن سادات در این بود.

اما طبیعی بود که همگام با رشد سرمایه‌داری وابسته، تضادهای طبقاتی نیز تشدید شود و با پیوند و نزدیکی هر چه بیشتر آن با اردوگاه امپریالیسم و تشدید سیاست غارت و جپاول امپریالیستی تضاد خلق با امپریالیسم ابعاد تازه‌ای بخود گیرد، بنا بر این چیزی نگذشت که سادات یعنی رژیم که می‌بایستی با توسل به سرکوب و ختنای سرمایه‌داری وابسته و متافع امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل در مصر باشد، خود را در برابر اعتلاء جنبش نوده‌ای و نفرت عمومی خلق یافت. در ماههای اخیر موج تاراجیسی و مبارزات آشکار توده‌های مصر علیه رژیم مزدور و سرسپرده سادات فزونی گرفت و سرانجام در هفته گذشته بدست نیروهای - نی که هنوز هویت آنها بدرستی بر ما روشن نیست ترور شد و به شاه مزدور و سرسپرده ایران پیوست. مرگ سادات با استقبال عمومی توده‌های زحمتکش سران جهان روبرو شد و بویژه ما به شرف و شادای خلقهای منطقه گردید. اما از دیدگاه ما مهمترین مرگ سادات مسئله سرنوشت جنبش نوده‌های زحمتکش مصر بویژه جنبش طبقه کارگران کشور است. جنبشی که مدام علیه نظام اقتصادی - اجتماعی و سیاسی حاکم رشد و گسترش می‌یابد و خطرات متعددی در کمین است. جنبش نشسته است، و این درست آن چیزی است که ما آن را در ایران تجربه کردیم و امروز نیز شمات آن را ببینیم.

ما در اینجا به این مسئله نمی‌پردازیم که این ترور بدست چه کسانی و با چه اهدافی صورت گرفته است، و این مسئله آنگونه که برخی تحلیلها مدعی است، امپریالیسم که نفرت عمومی خلق مصر را علیه رژیم سادات دریاخته بود، بغاظر حفظ منافع خود در این ماجرای سیاسی دست داشت است یا نه؟ و یا اینکه این ترور بدست نیروهای انقلابی صورت گرفته است؟ زیرا که ما حقیقتا "هیچگونه فاکت قابل استناد در این مورد نداریم و بنا بر این از هرگونه قضاوت در این مورد خودداری می‌کنیم، اما تا کید ما در این مرحله از جنبش خلق مصر خطراتی است که این جنبش را تهدید می‌کند، این خطرات گرچه نمیتوانند ریوش‌های مختلف و زجهات مختلف وجود داشته باشد، اما سرمنشاء اصلی آن از سوی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا، و در منطقه بویژه از سوی رژیم صهیونیستی اسرائیل و دیگر دولتهای مرتجع منطقه است.

واقعیت این است که موقعیت استراتژیک مصر در منطقه و نقش آن در توازن نیروها سواول دیگر، از جمله مواردی است که امپریالیسم و صهیونیسم را و امیدارده که تمام امکانات و شیوه‌های خود را بکار گیرند تا بلکه بتوانند جنبش اعتلاء یا بنده

خلق مصر را سرکوب و با به تحراف بکشانند. امپریالیسم در اینجا پیچیده ترین و پوشیده ترین تا عربی ترین شیوه‌ها را برخواهد گزید تا اینکه جنبش را به شکست و تحراف بکشاند. امپریالیسم به شیوه‌های مختلف از تغییر مهره‌ها و تغییر صوری تا سرکوب خشن و عربی را برخواهد گزید و سرانجام چنانچه پتانسیل انقلابی توده‌ها به مرحله‌ای رسیده باشد که هیچگونه امکان کنترل آن وجود نداشته باشد، رژیم می‌بایست رژیم جمهوری اسلامی را به مردم تحمیل خواهد کرد. نظری بوضعیت عمومی مصر نشان می‌دهد که بموازات رشد جنبش توده‌ای جریان‌های ارتجاعی و ضد انقلابی نظیر اخوان المسلمین که ما هیت آنها از سالها پیش حتی از دوران ناصر شناخته شده است و دیگر جریان‌هایی که امروز تحت عنوان طرفداران خمینی و پان اسلام - ایسم، سرولکشان پیدا شده است و امپریالیسم تلاش می‌کند، آنها را قیسم و رهبر جنبش معرفی کند. تا چنانچه جنبش خلق مصر عموما قایل به رگودد، بازی خمینی را این بار در مصر تکرار کند و این دقیقاً "منطبق بر استراتژی کنونی امپریالیسم در منطقه در جهت تقویت جریان‌های ارتجاعی با پوشش مذهبی در مقابل جریان‌های انقلابیست. امپریالیسم امروز در منطقه تلاش میکند که در کنار رهبر جنبش انقلابی توده‌ای یک جنبش ارتجاعی مذهبی علم‌گند و حتی سیل جنبش توده‌ای را با تشکیل و ایجاد دولتهای مذهبی از نوع "ضیاء الحق" در پاکستان و یا خمینی در ایران به تحراف بکشاند، و یا حتی چنانچه یک دولت مترقی در این کشورها بر سر کار آمد، با همان جریان‌های ارتجاعی و مذهبی بیک جنگ فرسایشی با آن دست بزند، یک چنین نمونه‌ای را بشکلی در افغانستان می‌بینیم. بنا بر این جنبش انقلابی خلق مصر بویژه در شرایط کنونی از دو سو، از بیرون و از درون تهدید می‌شود. این جنبش با اعتلاء خود از یک سو با شیوه‌های مختلف امپریالیسم و در دو سته حاکم تشدید میشود و از سوی دیگر از درون زجانب امپریالیسم بدست دارو سته‌های ارتجاعی نظیر لیبرالها و خمینی‌چی‌ها تهدید می‌شود. این درسی است که تجربه انقلاب ایران به همه خلقهای منطقه بویژه بخلق مصر و طبقه کارگران کشور می‌موزد. اگر نیروهای انقلابی مصر در همین مراحل اولیه جنبش نتوانند، رهبری آنرا در دست گیرند، حتی بفرض سرنگونی رژیم حاکم مصر، رژیمی بهمان اندازه ارتجاعی و ضد انقلابی از سوی اخوان المسلمین و دیگر نیروهای ارتجاعی طرفدار خمینی بجای رژیم ارتجاعی حاکم قرار خواهد گرفت. ما امیدواریم که سادات نماینده انقلابی خلق مصر نتواند در منطقه اعتلاء و تکامل جنبش، خطراتی که این جنبش را تهدید می‌کند، دریا بند و بر آنها فائق آید. و این جنبش را با موفقیت به پیروزی نهائی رهبری کند.

کودتا چیان ضد امپریالیست!

حجت الاسلام فلسفی را بیش و کم همه میشناسند. او به تعبیر خمینی که کودتای ۲۸ مرداد را سبلی اسلام به گوش صدق می داند، یکی از سبلی زندگان به صدق است. فلسفی همکار کودتاگران امپریالیست است. که سالها مجیزگوی شاه و منبر بروی مجالس درباری بود. پتک ضدا امپریالیست شده است و گاه و بیگاه در نمازهای جمعه یا دیگر مجالس رژیم از منافع امپریالیسم در منطقه تحلیل ارائه میدهد. اما هرگاه به دقت به سخنان او توجه شود "رازمفیت" وی را میتوان در یافت. فلسفی میگوید "طبق روایات رسیده از امامها اطهار را اگر مردم زمان خودشان را بخوبی بشناسند میتوانند سعادت مند شوند" او بد رستی نشان میدهد که حداقل این روایت کاملاً صحیح و قابل اجراست و نشان آن نیز بزرگ عوض کردنهای فلسفی ها، و "سعادت مند" بودنشان است!

اما ماهه چیز دیگر نیست. رژیم یک حربه عوام فریبانه ای پیشه کرده است و سعی دارد به توده ها اینگونه وانمود کند که هر شخصی و یا هر گروهی بیایه، سخنرانی اطلاعاتی از او در راه دیوهای امپریالیستی بخش شده، یا با نشریات دنیای غرب - مصاحبه های انجام داده و بسته با امپریالیسم است و یا چون مسعود رجوی به بار ریسر فته است پس به "دامان امپریالیسم فرانسوی پناهنده شده" و... اگر چه مزدوران رژیم آنچنان به سلاخی و جلادی مشغولند که فراموش کرده اند "خمینی عمده ترین مراحل کسب رهبری خود را دربار رییس گذرانده و عمده ترین گام ها را انتقال - سخنان و بیانیتهای او همین رادیوی امپریالیستی بی - بی - سی بود. اما بهتر است معیارهای عینی تری (ونه لزوماً بهترین معیارها) را بکار بگیریم تا ببینیم امپریالیستها و مزدوران نشان مهربانانانحصارات امپریالیستی، - ساواکی، شاهیه ها و غیره در کدامین سنگر میوزمند! روشن است که این شکل از - برخوردتنها و تنها بخاطر روشن شدن - استدلالات عوام فریبانه رژیم است و گرنه به تنهائی حمایت ساواکیها از این با آن دلیل بر ضدا امپریالیست بودن یا ضد خلقی بودن این با آن نیرو نیست.

باید گفت هر چند بسیاری از مزدوران امپریالیسم این رژیم را با ب طبع خود نمی یابند (که عمده ترین دلیل آن عدم قدرت رژیم در بر راه اندازی اقتصاد و عدم توانایی شان در جلوگیری از رشد انقلاب است) اما جالب اینجاست که هر کدام از آنها که به رژیم گوشه چشمی نشان داده اند بوسیله طرف پذیرفته شده اند و بر مسندهای قبلی خود (و یا با ارتقاء درجه) بکار بر برداخته اند. میتوان از خرده های شروع کرد و از ساواکیها بی که به خدمت - ساوا ما در آمدند، سرتیمهای گشتی ساواک که به خدمت سازماندهی تیمهای تعقیب و

مراقبت گرفته شدند، مزدوران رژیم شاه که ریش گذا رده اند و انجمن اسلامی تشکیل دادند و یا آنها تا نگه تا آخرین روزها شاه و بختیار را به نگهداری سنگر سلطنت می خواندند و بعداً زقیما با کمک تسبیح - خیل مکتبیون پیوستند تا مبرد (نمونه های این افراد در هر کارخانه و ادارات به وفور یافت میشود و نیازی به مثال آوردن نیست) و یا بالاتر از مدوا ز قیصر - های آریا مهری که مهمترین پستها را - اشغال کردند، جانشین رئیس ستاد شدند، و عملاً وظایف فرماندهی کل قوا را به دست گرفتند یا دنمود (جالیست گسه روزنامه های مزدور رژیم در شرح مبارزات افتخار آفرین فلاحی نوشته بودند و به خدمت ارتش در آمد و بر اثر نشان دادن لیاقت و استعداد به درجات تیمساری - رسید!) میتوان از چا پلوسان و تملق گویان (ساواک چون پرورش و یا جاسوسان در درون زندان چون عسکرا و لادی و دهها و دهها مورد دیگر نام برد و یا لاخره میتوان کودتاگرانی چون قره نی و حجت الاسلام فلسفی را به این لیست افزود تا روشن شود چگونه تمامی مهره های جور و نا جور - امپریالیسم، تنها در صورت تمایل، - توسط رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بکار گرفته شده اند.

رژیم میکوشد نیروهای انقلابی را - آمریکا ئی جلوه دهد اما قادر نیست پاسخ گوید که چرا این نیروهای "آمریکائی" در زمان که "رهبران کنونی هریک به شکلی به تعریف و تمجید از شاه و یا گرفتن کنج عزلت مشغول بودند یا رژیم مزدور - بهلوی جان بر کف میوزمید، چرا "شاه" در گذشته و آمریکا در گذشته و اکنون - بزرگترین دشمنان خود را فدایان و مجاهدین و سایر نیروهای انقلابی دانسته و میداند. رژیم قادر نیست پاسخ گوید که آمریکا خواهان خلع سلاح توده ها ست یا مسلح شدن خلق، آمریکا خواهان حفظ - یا دگانه و یا سخت ارتش ضد خلقی است یا خواهان بدست گیری سلاح توسط توده ها و تشکیل ارتش خلقی، آمریکا از کدامین کار خوشحال است روی آوری توده ها به مبارزات انقلابی و متشکل شدن آنان با اعدا محدود ۲۰۰۰ نفر انقلابی که هریک سدی استوار در مقابل امپریالیسمند.

توضیح و پوزش

در "کار" شماره ۱۲۷ ص ۹ خبری مربوط به یادگان زنجان بجای رسیده است که تیر خیرا شتیاها "ا" بهر نوشته شده. همچنین در "کار" شماره ۱۲۸ ص ۱۶ - خبر اول مربوط به ایهرو خبر سوم مربوط به زنجان بوده است که تیر آن بجای نرسیده است و با این ترتیب اصلاح میگردد.

بامبارز متحد

خود...

- بقیه از صفحه ۶
- پدید آورد. در زیر نمونه -
 ۱- سئوالات امتحان کتبی معلمان حق -
 التدریس ناحیه که در سال گذشته مشغول تدریس بوده اند آورده میشود. ضمناً علاوه بر موفقیت در امتحان مذکور مسائل دیگری از قبیل: معا حبه و آراشه اصل شنا سنا مه (به منظور یادگیری مهرهای انتخابی) در نظر گرفته شده است:
 ۱- نفر از همکاران صمیمی که آرید با آدرس و شما ره تلفن
 ۲- نام ۵ تن از دانش آموزان را که با آنها صمیمی هستید.
 ۳- کدامیک از دوستان و آشنا یانتان در نهادهای انقلابی کار میکنند.
 ۴- در چه مورد همکاران و فعالان لیتهائی با مور تربیتی داشتید.
 ۵- برخورد شما با بچه ها چگونه بوده است یک مورد مثال بزنید.
 ۶- رابطه معلم و شاگرد چگونه با یدبا شد دوستانه یا فقط در چار چوب معلم و شاگردی.
 ۷- آیا معلمین با یدبا انجمن اسلامی معلمان همکار ی کنند.
 ۸- میزان فعالیت بچه ها در مدارس تا چه حدی با یدبا شد.
 ۹- تشیع جنازه افراد زیر از کجا برگزار شد (مطهری، با هنر، رجا ئی، چمران، بهشتی)
 ۱۰- آخرین سخنرانی اما مکی شنیدید و راجع به چه موضوعی بوده است.
 ۱۱- نظراتنا راجع به افراد زیر چیست (آیت الله زنجانی، شریعتمداری، بهزاد نبوی، بیمان، فارسی، صمیمی، گلزاده - غفوری، موسوی تبریزی، موسوی اردبیلی)
 ۱۲- چه انتقاداتی به شریعتی دارید.
 ۱۳- چه انتقاداتی به مطهری دارید.
 ۱۴- اشتباهات اما موانتقادات وارده بر او.
 ۱۵- نزدیکترین مسجد محل واسم اما م جماعت.
 ۱۶- چند بار در نماز جمعه شرکت کرده اید چه سوره های خوانده شد.
 ۱۷- نام اما م جمعه های تهران.
 ۱۸- کدام قسمت نماز غیر عربی نوشته میشود.
 ۱۹- سبحان ربی علی و بحمد یعنی چه.
 ۲۰- نماز میت چرا سجده طولانی دارد.
 ۲۱- پایان تاریخچه ان کی است.
 ۲۲- پیگیرترین طبقه جامعه کدام است.
 ۲۳- غیبت کبرا صغرا یعنی چه.
 ۲۴- کتابهای اریه رانا م برید.
 ۲۵- دعا های یزید در چه مورد خوانده میشود ندبه، کمیل، جوشن کبیر.
 ۲۶- در سال گذشته چه تدریس میکردید.
 ۲۷- در گذشته چه فعالیتها ئی داشتید.

نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا



ریاست جدید شهربانی و تغییرات

متعاقب آن

پس از انفجار نخست وزیر و کشته شدن رئیس شهربانی (سرتیپ وحید دستگردی) حکومت دست به یک سری تغییرات در شهربانی زد این بدین معنا نیست که اگر رئیس شهربانی کشته نشده بود این تغییرات انجام نمی گرفت بلکه با توجه به دو نکته این تغییرات حتمی بود اول اینکه چرا وحید دستگردی قبلاً کنار گذاشته نشده بود (با این دلیل که او جزو محدودسازان نظامی بجای مانده از دوران بنی صدر بود که قدرت نظامی را اداره می نمود، همچون فلاحتی - ظهیرنژاد - فکوری - فروزان اینان طبق قولی که خمینی داده بود و بعلت اینکه به پرسنل گفته شود قدرت به خود شما واگذار شده و از این طریق جلوی حرکات احتمالی را بگیرند بر سر کار نبودند. دوم اینکه با توجه به جو غالب لیب لیبرالی در شهربانی و تفاوت آنها با حزب پیش برد طرح های حزب جمهوری اسلامی بگونه ای که مدنظرش بود غیر محتمل بنظر میرسید.

بنا بر این پس از مرگ رئیس شهربانی این اشکالات تا حدودی بنبفع حزب حل گردید قدرت نامرئی حزب در شهربانی مرئی شد و وفرا زوا بستگان حزب به صورت کا ندیدای ریاست شهربانی خود را نشان دادند. اینان سرهنگ دیباچی و سرهنگ حجازی بودند. آنچه بسیار ممکن بنظر می آید دست گرفتن قدرت توسط دیباچی بود زیرا با سابقه تراز سرهنگ حجازی بود و نیروهای زیر دست را می توانست کنترل کند و در شهربانی همیشه پستی بالاترا از حجازی داشت او هم در سرکوبهای حکومتی شرکت داشت و یکی از سازمان دهندگان جاشا در غرب بود. ولی سرهنگ دیباچی رئیس شهربانی نشد بعلت اینکه وابسته به جناحی از حزب بود که از توان کمتری برخوردار بود و همچنین سابقه درخشان سرکوب همچون حجازی نداشت. حجازی مکتبی تر از دیباچی است و هدف ادغام شهربانی و کمیته ها را دنبال میکند در ضمن خواهان تغییراتی در فرماندهی شهربانی به نفع نیروهای جوان فالانزاست که با تازگی کافی وجود ندارند. از طرفی حزب هم خواهان تصفیه وسیع و نو سازی شهربانی است که این مهم از حجازی بر می آید (بنظر حزب). ولی حجازی تاکنون چه کرده است - تحلیل ارائه شده از شهربانی در هفته گذشته را بخاطر بیاد و پرید در آنجا گفتیم که فرماندهان رده اول دودسته هستند یک دسته وابستگان به حزب که محدودند ۲- لیبرالهایی که تورپسته حزب را پذیرفته اند و اندکی دستورات حزب را تعدیل میکنند. اندکی هم متزلزل هستند. سیاست این فرماندهان حفظ

شهربانی و حفظ مقامشان است. سرهنگ حجازی درجه معینی از فشار بر این دستها زده اول وارد آورده و بخشی از آنها خود به کناره رفتند. این عده تا تاریخ ۱۴۵۰/۶/۲۴ سرهنگ گزارش شده است که تقاضای بازنشستگی کرده و بازنشسته شده اند در بین آنها معا و بنین شهربانی، بعضی روسای شهربانی استانی و بسیاری از روسای ادارات از جمله آگاهی و پلیس تهران جای دارند. با قیما ندها این سرهنگان یا با یستی تن به اجرای دستورات حزب بدهند و یا کنار زده خواهند شد احتمالاً با وضعی بدتر از بخش سوم. حال با این تغییرات با لاجه خواهد شد؟ با توجه به اینکه کلیه مشاغل مهم توسط حزب اشغال شده است و عنصر حزبی دیگر وجود ندارد و با اگر هست متنا سب با سلسله مراتب شغلی نیست دورا وجود دارد اول اینکه رده دوم جای این عده را پر کنند. بیاد بیآوریم که رده دوم راحت ترین رده بود و اشخاص ممتاز لول از رده اول در آن جایگزین شده بودند. این رده در صورت با لادمن نه تنها دردی از حزب دوا نخواهد کرد بلکه متزلزل شدیدی را تهدید خواهد نمود و قسمت اعظم این عده هم کنار گذاشته خواهد شد. پس جریان تغییرات را م خود علنی بر متزلزل بیشتر خواهد کردید و امکان بندبازی وجود ندارد. فرض دوم این است که بدون توجه به سلسله مراتب سازمانی اقدام به جایگزینی گردد اینجا دو مسئله پیش خواهد آمد اول آنکه زیردستان درجه بالاترا توریسته بین افراد را نخواهند پذیرفت دوم اینکه توده پرسنل از اشخاص فالانز وابسته به حزب خالی خواهد شد و پرسنل یکدست ترا قابل خواهد بود این به نوبه خود زمینه مساعدتری جهت ابراز رأیاتی ها بوجود خواهد داد. تمام این اقدامات برای کشیدن پلیس به صحنه درگیریست و عناصر اصلی جهت درگیری هستند. سرهنگان بخوبی آگاه بودند که پرسنل تن به درگیری نخواهد داد و به این جهت بود که دستورات حزب را تعدیل میکردند بگونه ای که حزب را همانا میدنگرده باشند و اقداماتی هر چند جزئی در جهت برآوردن اهداف حزب بخرچ دهند. در ضمن بگونه ای فرماندهی غیر مستقیم هم بر پرسنل اعمال کنند که ناشی از وحشتشان از توده پرسنل بود. پس از این تغییر فرماندهی غیر مستقیم که همه چیز را نقل قول شده از بالا عنوان می نمود فرماندهی مستقیم رخ خواهد نمود که مستقیماً در مقابل توده پرسنل قرار میگیرد و در کنار حکومت است همپا رشی دیگر پرسنل دشمن خود را خواهد شناخت و خواهد فهمید که این فرماندهان

هستند که آنها را وادار به درگیری می نماید. نتیجه نهایی این اقدامات تصبر جسته شدن تقاد - مشخص شدن آن و تشبیه آن بین فرماندهان و پرسنل است در چنین شرایطی است که شهربانی روبه تلاش خواهد گذاشت. از طرفی اگر کمیته ها و شهربانی ادغام شوند تقاد بین آنها و پرسنل شهربانی تشدید خواهد شد و شرایط تلاشی را جلوتر خواهد انداخت و اثرات متقابل هم بر کمیته ها خواهد داشت که قابل بررسی است. تغییرات اخیر در رده فرماندهان متوقف نخواهد شد. طرحهایی جهت پاکسازی، سالم سازی و تصفیه پرسنل به مجلس فرستاده شده است که از این حربه جهت سرکوب پرسنل استفاده میگردد.

تحقق کودتا...

بقیه از صفحه ۱۴

بریا لیسیم - با توجه به فرا رشا و ضعف جدی در با رومیلیتا ریسما از طرفی و شوق و شوق عزم انقلابی وسیع ترین قشرهای دمکراتیک کشور، از طرف دیگر، که بویژه در فرماندوم به شکل درخشان بروز کرد، با توجه به مکانات واقعی اجتماع که در اختیار ما بود، با توجه به اینکه اتحاد امیربالیستی و ارتجاعی بهنگام اجرا نقشه خود، با متزلزل و تردید و اطمینان شد، خطای رهبری خطائی است بزرگ. نمیتوان گفت که این اقدامات حتماً "ومسلمانا به پیروزی می رسند و یا شکست می خورد، ولی میتوان گفت که این اقدامات با توجه به شورش انقلابی مردم امکان برای پیروزی را داشت. وانگهی "ما همه جبهه ملی ایران را یکجا و احکام تلفی میگردیم و غرابکاری های باقائیه ها را بحساب مدق ها، نریمان - ها و شا یگان ها میگذاشتیم، ادرجا لیکه این عناصر علی رغم گرایش به ناسازگاری، زمینه مساعدی را برپا لیستیم داشتند" (تجربه کودتای ۲۸ مرداد ص: ۹۷). رهبران جبهه ملی قبل از کودتا، به هنگام کودتا و بعد از کودتا همواره بر این باور بودند که سرانجام امریکا برقراری مشروطه واقعی و دمکراسی را به دیکتاتوری شاه ترجیح خواهد داد و آنان را بر سر پر قدرت خواهد نشاند. جناحی از نهضت ملی، نیروی سوم که همواره در طیف جنبش نقش نفاقی افکنی در صفوف مردم را داشت و فلسفه وجودی خود را در مبارزه با کمونیسم خلاصه می دید، همان روز ۲۸ مرداد، در سرمقاله ای به قلم خلیل ملکی، تکلیف خود را روشن کرد و نوشت: امروز خطری که ایران را تهدید میکند، شاه نیست، حزب توده است!

در آخر میتوان گفت که اگر در این دوره احزاب، نیروی وسیع توده ها را که به جنبش رو آورده بودند، تا مدتی قبله قهر آمیز با ارتجاع و امیربالیست ها که حامی آن بودند، میگردند، تنها جم ۲۸ مرداد می توانست به نقطه عطفی برای تشدید مبارزه و گذار جنبش از یک پروسه سیاسی به یک پروسه نظامی تبدیل شود.

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

خطاب به رفقای پخش کننده اعلامیه ها و نشریات سازمان

درودهای آتشین بر شما باد، شما که با سراسر تکستان جا بگفتن با ذکاوت و شجاعت، بیایا مهای سازمانتان را به توده ها می رسانید، شما که جان پرکفاز لاسلای مسلسل گشتی های مزدور روزانه عبور کرده و ارتباط گسترده سازمان با توده ها را حفظ می نمائید، شما که با ایمان خلل ناپذیرتان به آرمان رها نشی زحمتکشان سرافراشته به انجام وظایف نمان مشغولید، شما که از مشکلات نیمی را سید و با بیگیری و استقامت تمام خونین فدائی با یک دهه مبارزه را بحق بر خود نیا ده وزنده نگه می دارید، با زهم درودهای آتشین ما را بپذیرید.

اینکه بخش مهمی از حیات سازمان در وجود شما تجلی یافته است، بخش مهمی از حضور سازمان در سطح جامعه را عملکردهای شما تشکیل میدهد، توجه داشته باشید هر شعار، هر اعلامیه یا تراکتی از سازمان چه تا شرمهمی در ذهنیت توده ها بجای می گذارد، توجه داشته باشید که توده ها با چه اشتیاقی از آنها استقبال می کنند، وظیفه خطبری اینک بعهده شما شده است، صرفاً "منتظر رسیدن اعلامیه و غیره از بالا نباشید، در هر فرصتی شعارها و اخبار نشریه کنار را با زنبوسی کرده و پخش نمائید، بیاد داشته باشید هم اکنون رفقای هوادار

سازمان در شهر صحنه گرمانشاه با مشقت زیاد می تمام نشریه کا را دست نویسن کرده و بدست سا بر هواداران می رسانند، وظایف خود را تا حد ممکن گسترش دهید، حتی لحظه ای نیز نسیا بد تلف شود، ایمان داشته باشید که ما پیروز میشویم، گزارشات بخش خود را بطور دقیق برای ما بفرستید، از این پس بهترین نمونه های آنرا در نشریه به چاپ میرسانیم تا گامهای بیشتری در این رابطه برداشته باشیم، گزارشی که در زیر می آید یکی از این نمونه ها است که از حوزه محلی غرب تهران فرستاده شده است، از آنجا که این گزارش دارای ارزشهای برجسته است، ضمن قدردانی از رفقای آنرا درج مینمائیم.

گزارش از ع-ع

ساعت ده دقیقه به چهار صبح با صدای زنگ ساعت از خواب پریدم، بلافاصله رفیقم را بیدار کردم، رفیق ما نندفتر از جا پرید، هوا هنوز کاملاً تاریک بود راه افتادیم به طرف محلی که اعلامیه ها بود آنها را برداشتیم مرتب کرده و حدود ساعت ۴/۵ شروع به پخش کردیم، تمام کوچه های بالائی را پخش کردیم و وقتتی از قسمت بالائی را زغ شدیم برای رسیدن به محل پائین دورا وجود داشت یکی از آنها بی خطر بود و دیگری به آنها زنگ زد از جلوی سپاه و کمیته رد می شدیم، راه اول را انتخاب کردیم و به طرف پائین راه افتادیم، حدود صد قدم مانده بود که پشته معدوده پائین برسیم دیگر هوا گرم و پخش بود که صدائی گفت کجا می روید، من و رفیق اهمیت ندادیم و قدمها را تندتر کردیم، هنوز پناه مترنفته بودیم که دیدیم آن شخص دنبال ما می آید، من و رفیق در دو جهت مخالف شروع به دویدن کردیم، که ناگهان صدای آید، آید، آید - در دهان شخص بلند شد فکر کردم برگردم و با آن شخص رو برو شوم و او را خاموش کنم ایستادم، آن شخص که بعداً معلوم شد یکی از زحمتکشان محله است به من رسید پرسید کجا می روی؟ گفتم خانه، پرسید توی دستت چیه؟ با صداقت گفتم اعلامیه تا کجا آن شخص چهره عوض کرده و با لجه خودمانی گفت، دمت گرم با با چندتا هم به من بده، من هم چندتا اعلامیه به او دادم و راه افتادم، رفیق را بیدار کرده و قسمت پائین را هم پخش کردیم، صبح برای مشاهده برخورد مردم با مسئله به محله ها سرک کشیدیم، دیدیم که در

محله ها بلوا به پا شده، می دانید مردم در آن لحظه روحیه زیادی پیدا کرده بودند آخردوب قبل حدود ۲۰۰ نفر را به طور فردی و خانوادگی در آن محله گرفته بودند مردم انتظار چنین کاری را در آن جو خفقان نداشتند، در یکی از کوچه ها یک زن فالانتر بلوار راه انداخته بود می گفت: عجب آدمها نسی هستند، همین بریش اون همه رو گرفتند با زامروز اعلامیه پخش کردند ملا "عینا" اینک از جوشون سیر شدن، بخدا دل شیر می خواد، در این حا بود که به خودمان بالیدیم، آخردوب زیادی دار که دشمن از انسان تحویل کند، آن زن فالانتر یکی از همسایه ها را منته می کرد و آن زن هم جواب داد ده بود کما را، نبودا گرم بود و الله افتخار دارد، دخترها کسه برای شستن ظرف لب جوی آمده بودند اعلامیه را دسته جمعی می خوانند، یکی از فالانترها مقداری از اعلامیه ها را جمع کرد و برد تحویل سپاه را به داد، مردم لبخندی بر لب داشتند آخردوبی ما بعد در مقابل خفقان ساکت بود و فریاد نکشید، در محله بالایی از رفقای دختر گزارش داد که مردم ولای شدند یک اعلامیه برداشته و سرکارشان می رفتند و حتی رفیق در مورد متن اعلامیه برای یک پیرزن توضیحاتی هم داده بود، فالانترها جنونشان دوباره گل کرده چندجا مقدار از اعلامیه ها را پاره کردند، با زمانی که شخصی اعلامیه را می خواند و آنرا به زمین می اندازد و رفیق با زرنکی می گوید چیه از زدنای شدن - می ترسی که آن شخص هیجان زده دولا شده و اعلامیه را برداشته و چها رتا کرده و در جیب خود نهد و بیاید یکی از رفقای از همان زحمتکشی که صبح موقع پخش دنبال ما افتاده بود پرسید تو که گفتی آن دونفر را گرفتی پس چرا تحویل سپاه ندادی، مرد زحمتکش جواب داد، چرا جوانان پاک و بیگناه را بدست

اینها بدیم که سر هیچ و بوج اعدا مشان کنند، با آخردوب می توان گرفت آن روز - صبح مردم ما را حسابی تارز کردند و آن اعلامیه ها در آن جوتا شیر زیاد داشت به طوریکه حتی در جاها بی هم که اعلامیه پخش نشده بود، صحبت از اعلامیه ها بود، و استقبالی که آنروز مردم از آن جریان کردند، ایمان آوردیم که داردیخ توهم توده ها با سرعت زیاد آب میشود و ندای پیروزی کاربر سرمایه را از هم اکنون در هر کوی و برزن میتوان شنید.

خیرات جنگ...

بقیه از صفحه ۱۵

- ای چون افزایش حقوق ارتشیان و کاهش حقوق تمامی کارگران و کارمندان که اخیراً صورت گرفته است - افشاء کرد و روشن نمود که چگونه رژیم با این عمل قصد شکافهای عمیقی ایجاد نماید و آنرا از نظر منافع در مقابل هم قرار دهد و از سوی دیگر جلوی شکل گیری اعتراضات توده های ارتشی را سد نماید، باید تمام سعی نیروی خود را برای بردن نشریات اعلامیه ها و مواضع سازمانهای انقلابی به درون پادگانها بسج کنیم و بهر شکل ممکن این عمل را انجام دهیم، در نظر داشته باشیم که انقلابیون در فاشیستی ترین شرایط نیز مواضع خود را تبلیغ کرده و نشریات خود را به دست توده ها رسانده اند، باید در هر شرایطی محله های مناسب درون پادگانها را شعار نویسی کرد و سیاه پستی انقلابی را بدین طریق تبلیغ نمود، باید پرسنل را متشکل کرد و انقلاب را پیش راند

بهداشت، مسکن و نان برای آوارگان تأمین باید گردد

تحقق کودتا:

از اسفندماه تا ۲۸ مرداد (۲)

دولت سابق ایران

آرد، دزاین صورت ملاحظه میکنند که این راه را باید در جانی دهریا زود مسدود کرد و ما مصمم به این کار هستیم. (با اخترا صریح ۲۲/۵/۱۵). هم زمان دالس وزیر امور خارجه آمریکا با لحنی ملایم تر، اعلام میکرد: - "تشدید قوت غیرقانونی حزب توده - ایران و اغماضی که نسبت به فعالیتهای حزب مزبور در ایران میگردد، باعث نگرانی آمریکا شده و موجب گردیده است که کمکهای آمریکا را به ایران دشوار سازد".

امپریالیستها که پس از مشاهده پراکتیکی و تفرقه نیروها در سالگرد ۳۰ شهریور طناً - خرسند نبودند و قدرت را نزدیک میدیدند، همان اجتماعات را بهیانهای برای توجیه طرح کودتا قرار دادند و نوشتند: "تظاهرات منظم افراد حزب توده در سراسر تیر که در آن بین ۳۵ تا ۵۰ هزار نفر شرکت کردند، و شماره آنها از تظاهرات هرکندگان دیگر که طرفدار دولت بودند فزونی داشت، نشان قوت - گرفتن کمونیستها در ایران میباشد. این حوادث نشان میدهد که ممکن است دکتسر مصدق... بزودی یا کمونیستها را در اداره امور دولتی شرکت دهد و یا در مقابل آنها با شکست مواجه شود". (نیویوریک، ۱۷ مرداد ۱۹۴۲، وت ۱۹، ۲۲). آخرین هشدار "تاپیم" نیز همین محتوا و تعبیر را در بر داشت: "هنگامی که به مصدق گفته میشود، روش - نا سازگار او کشورش را بسوی کمونیسم سوق میدهد، وی این آنها را مسخره کرده و انکار میکند... ولی ارباب بصیرت آگاه هستند، که هر خنده حزب توده در ادارات دولتی ایران به نفع آنها نیست و بیشرافت کرده است که اکنون ورخی از موارد سیاست دولت را - آنها تنظیم میکنند" (به نقل از مصطفی فاتح پنجاه سال نفت ایران، ص ۶۶). این اتهام جغتاهما تا تفسیر سخن ایدن بود که گفت: "به مصدق امان ندهیم و آسوده اش نگذاریم" (خاطرات ایدن، ص ۲۹۶).

سنا ریوئی که از این پس به اجرا درآمد کیفیت یک نمايش دست دوم رمان های - جا سوسی آمریکا شی را داشت، و از قبیل همه کس همه چیز را میداند. روز سوم مرداد شرف پهلوی که بعد از زقیام ۳۰ شهریور مادرش از ایران تبعید شده، بدون اجازه و ناگهان شی وارد ایران شد. روز بعد ژنرال شوارتسکف که از ۲۸ - ۱۹۴۲ تا زمان ندهی تشکیلات جا سوسی ایران و فرماندهی - ژاندارمری را بر عهده داشت، به ایران رسید. غرض این بود که از این دو عنصر بمبخواه - نیفا مرسان شاه استقا ده کنند. اما اعتراضات شدید مردم، دربار را واداشت که شرف را - دوروز بعد از ایران اخراج کنند. در مسوود شوارتسکف نیز، مطبوعات، از جمله ارگان های حزب توده به افشای ماهیت او و برآمدن سیاستهای حزب میگفت: "شرف خواهر خادشه جوی شاه و شوارتسکف جا سوس شناخته شده امپریالیسم آمریکا بلا مقدمه به ایران آمدند تا مستقیماً "به شاه دستور ابلاغ کودتا کنند و در تهیه مقدمات آن راهنمایی و کمک لازم را بنما یند". از این رو، هم چنان که روز ولت نیز متعرف است "موج تبلیغاتی که بر ضد حضور او در این موقع در ایران انجام گرفت، مانع از آن شد که مذاکره مثبتی میان شاه و او بعمل آید. مذاکرات با این بست رو برو شد "بویژه وقتی مردم افشا کردند که او چا مل "چمدان" های میلیونها دلار پول نقد بود". (خاطرات روز ولت ص ۱۵۹).

معاون وزارت خارجه و رئیس اسبق سازمان سیا (والتر بیدل)، معاون او (فریمن ماتیو) حقوقدان و استاد دانشگاه ها را وارد ربرت رچا ردسون بودی، سفیر سابق آمریکا در آفریقا و جنوبی، افینا نستان، برمه و پاکستان (ها نری بویا رد)، معاون وزارت امور خارجه آمریکا در موراسیا (ر. د. مورفی)، وزیر دفاع (چارلز ویلسون)، رئیس سازمان سیا (آلن دالس)، وزیر امور خارجه آمریکا (جان فوستردالس) و وزیران مدنه عملیات (تاکیم روزولت)، درخارج از آمریکا، از همکاران عمده، گویه هرن، گرهروما نویل رامیتوان نام برد.

در انتخاب زاهدی بعنوان جانشین مصدق، انگلیسها نخست روی خوش نشان - ندادند جزا که او در طی جنگ دوم جهانی، به آنها مافسری که با نا زیها همکاری - داشت مدتی در فلسطین در زندان انگلیس ها بود. اما سرانجام این توافق نیز حاصل شد. در همین تاریخ روز ولت خبر میداد که "همکاران ایرانی" نیز با نظر خواهی از شاه سر لشکر زاهدی را برگزیده اند. (۱۰ - خا طرات روز ولت، ص ۴۱) همچنین قرار بر این گشت که روز کودتا را از بزنها و ریبسا علامت رمزی در تطق را دیویتی خود اعلام - کند و بی سی سی در پایان اخبار خود بجای اینکه بگوید: "اکنون نیمه شب است" - بگوید: "اکنون درست نیمه شب است".

در آخر تیرماه ۱۳۲۲ روز ولت از راه - قانونی از مرز گذشت و به ایران رسید. ۱۰ مرداد، بصورت محرمانه با شاه ملاقات کرد و دو نام مستعار شاه (ساوک و پیشاهنگ) را به او ابلاغ نمود. زاهدی را در باغ بلاغی سفارت آمریکا پنهان کردند و اقدامات عملیاتی آغاز گشت. روز ۵ مرداد دکتسر مصدق با پیامی مراد یویتی مراجعه به راه - عمومی را اعلام نمود و گفت: دولت مصمم است "از شما مردم وطن پرست تقاضا کند، عقیده خود را در ابقاء یا انحلال مجلس صریحاً اظهار کنید". ۱۲ مرداد مردم برای آخرین بار ریشتیانی خود را از مصدق اعلم داشتند و با بسیج همه جانبه به رفراندوم و انحلال مجلس پاسخ مثبت دادند. اما دیگر فرصتی برای تجدید انتخابات باقی نبود. خود بهتر از همگان با این امر واقف بود. اما مردم در نیمه راه را هرگز نگرد، مطلع نکرد و بدست چکمه یوشان سپرد.

اکنون مقامات آمریکائی و مطبوعات امپریالیستی، اذهان را برای انجا کودتا آماده میکردند. در ۱۴ مرداد از بزنها و در رابطه با بیروزی رفراندوم، در یک مصاحبه مطبوعاتی، میگفت: "تهدید کمونیستها نسبت به کشورهای آسیائی اساساً - برای آمریکا شوم و خطرناک است. گمان میکنم امروز صبح در روزنامه ها خواندید که مصدق توانست برپا رلمان فاشق آید و خود را از آن خلاص سازد. تمام اوضاع آن صحعات برای آمریکا نحس و شوم میباشد. زیرا اگر جهان این مناطق را از دست بدهد، چگونه میتواند امپراطوری شروتمندا اندوزی را نگاه -

در ۳۰ تیر ۱۳۲۲، حزب توده و جبهه ملی اعلام تظاهرات کردند. سران جبهه ملی به تحریک خلیل ملکی رهبر "نیروی سوم"، از برگزاری میتینگ مشترک با توده آنها خودداری ورزیدند. در نتیجه میتینگ ملیون صبح تظاهرات توده آنها عصر همان روز در میدان بهارستان برگزار شد. اکنون زحمت - کشان، دانشجویان و بازاریابان میبایست صف خود را انتخاب کنند. در حالیکه در قیام ۳۰ تیر ۱۳۲۱، علاوه بر دانشجویان حزبی که به نهضت پیوستند، کارگران (انبار رچای، جیت سازی تهران، سیلو، کارخانه سیمان، راه آهن، دخانیات) از ۲۹ تیر دست با عصاب زدند و ۳۰ تیر را علیه غم سکوت حزب توده و "دعوت به آ را من" جبهه ملی، به قیام بدل - کردند.

اما در سالگرد ۳۰ تیر، تردید و تزلزل - توده ها که نمیدانستند کدامین صف را انتخاب کنند، ضعف جنبش را عیان کرد و به نمايش گذاشت. جبهه ملی قادر به آرایش صفوف خود و سازماندهی تظاهرات شده، حزب - توده متشکل تر و منسجم تر از سایر گروهها - به میدان آمد و شعار "جمهوری" را عنوان کرد. نیروهای سرکوب با استفاده از این تفرقه بسیج شدند. دکتسر بقائی میگفت: در آن روز "گفتم، مردم! اجازه نخواهند داد بیگانه - پرستان بر سر ما زار شهیدای ۳۰ تیر را فرسودند. همان شب عده ای را فرستادم از سازمان - حزب (زحمتکشان) دور را مین و کرچوا طرف عده ای را با چوب و چماق آوردند و بردند. اینها بویه، گفتم به مسئولیت خودم، هر - توده ای خواست بیاید اینجا، قلمش را خرد کنید". (دفاعیات، اطلاعات، ۲۰ دیماه ۱۳۴۰)

وزیر مصدق، دکتسر غلامحسین صدیقی، در مصاحبه ای با مجله دنیا (شهریور ۵۸) از - سالگرد ۳۰ تیر چنین یاد میکند: "به نظر من خمیرما به حرکت ۲۸ مرداد در ۳۰ تیر ۱۳۲۲ - آماده شده بود. زیرا همه مردم از کلیه طبقات طرفدار دکتسر مصدق بودند. ولی خلیل ملکی وعده ای دیگر اصرار کردند که عنا صوابسته به حزب توده در یک تظاهرات جداگانه شرکت کنند و ملیون در زمان دیگر. در نتیجه یک نیم روز چپ ها با نظم و ترتیب خاص و قدرت تشکیلاتی فراوان و دست نیم روز عنا صر ملی با ضعف تشکیلاتی دست به تظاهرات زدند. این تقسیم قوانین نه ای بوجود آورد که دولتهای غربی اولاً در ارزیابی قدرت دکتسر مصدق، به تضعیف پایگاه دولت معتقد شوند، زیرا تظاهرات توده ای، در آن روز - ظاهراً چند برابری طرفداران نهضت ملی بود. به این ترتیب دولت انگلیس توانست نظر موافق دولت آمریکا را برای آغاز یک حرکت ضد ملی در ایران آماده سازد". حزب توده - نیز می دانست که کار تمام است و از این پس تا ریج بسمد مطبوعات حزبی اعلام میکردند: "توطئه خائنانه کودتا در شرف اجراست". همزمان در ۳۰ تیر ۱۳۲۲ (۲۵ ژوئن ۱۹۵۳)، طرح کودتا، تحت نام جا کس همرا با یک گزارش ۲۳ صفحه ای در مورد نحوه عملیات به تأخیر رسید. دست اندرکاران عبارت بودند از

تحقق کودتا:

از ۹ اسفند تا...

بقیه از صفحه ۱۲

بازگشت به تاریخ

دهم مرداد دیکم روز ولایت، پنهان در کف ماشین ویاسی از شب گذشته دریاغ قصر با شاه ملاقات کرد تا پیشرویه امور و وضع نیروها را به اطلاع ویرسانت از جمله در این دیدار "متحدین و قدرت مالتی معین شد. من وارد صحبت در باره چهار رزمین و آخرین خط حمله شدم" سپس در راه بینه پیروزی کودتا، بیام آیزنها و رابا به شاه دادم. تلگراف رئیس جمهور آمریکا منی گفت: "گریه لوی ها و روز ولت ها نتوانند با همکاری یکدیگر این مشکل کوچک راحل بکنند، دیگر در هیچ کجای دنیا امیدی وجود نخواهد داشت". (هما نجا، ص ۱۸۱).

در ۱۹ مرداد آلتن دالتس، رئیس سا زمان سیا، لوتی هندرسون سفیر آمریکا در ایران و اشرف یهلوی هریک از سوتی به سوئیس پرواز کردند: "بدگمانی ها هنگامی بسر انگیزه شده که ژنرال شورا تسکف نیز به جمع پیوست. (نیشن، ۲۲ ژوئن ۱۹۶۴).

این آخرین مذاکراتی بود که در باره - اجرای طرح آجاس در خارج کشور صورت میگرفت، و محتوای آن کم و بیش بر همگان معلوم بود.

۲۲ مرداد شاه حکم عزل مصدق را امضاء کرد. و در ۲۵ مرداد توسط سرهنگ نصیری و همراه با حکم انتصاب سر لشکرزاهدی به نخست وزیر و به در خانه او فرستاد. قرار بود که هم زمان شهر تهران به تصرف نیروهای ارتشی در آید. بار دیگر افسران حزب توده مصدق را از جریان واقعه آگاه کردند. کودتا چنان تلفیفا نه ویا زار را اشغال کردند، سیم های تلفن ستاد ارتش را بریدند اما موفق به دستگیری ریاحی رئیس ستاد نگشتند. با افشای بدن چهار رزمین طرح کودتا، مصدق توانست با دستگیری نصیری و تعدادی از افسران باز نشسته و خلع سلاح سربازان کارشاهی کودتا را برای چند روزی بیه تعویق اندازد، بی آنکه جلوگیری و یا اقدامی بعمل آورد. در حالیکه شاه از ایران خارج شده و راه برای مقابله با کودتا هموار گشت. فرار شاه با ردیگر مردم را روحیه و جرات بخشید. تظاهرات نه چندان باشکوه، همراه با دودستگی و تفرقه تهران را فرا گرفت. با اینکه خواستها هر چه بیشتر به هم نزدیک میشد، به همان میزان صفوف از هم میپاشید. جبهه ملی شعار میداد: "شاه فراری باشد محاکمه شود، یا مرگ یا مصدق، مصدق پیروز است" و حزب توده میگفت: "پیروز با دملت - بر شاه تنگ و نفرت، ما ملت بیداریم - پیروز با جمهوری خواهیم، برچیده با دسلطنت پیروز با جمهوری دمکراتیک".

در همان روز، یعنی ۲۶ مرداد دوبرای - آخرین "تمام حجت" لوتی هندرسون سفیر آمریکا به ملاقات مصدق رفت و این گفتگوی تاریخی میان آن دو انجام شد. مصدق در سرباردها های سر سخنان سفیرا ز شاه و بارز تا سفا از سفرا و گفت: "چرا سعی میکنید بر ضد این مملکت کار کنید، چرا از مردمگری که تا بخردا نه و در نهایت پستی به کشورهای

دیگر نه فرار کرده، حمایت میکنند. شما حق ندارید از هیچ موردی به ما فشار بیاورید، بخصوص در مورد مردی که در حال حاضر یک باغی است. در جواب او، سفیر آمریکا "سیلی اسلام" را این چنین بر بیگرا و نواخت: "بعضی یک مسیحی میتوانم به یک مسلمان، رسومی را که از زمان حضرت محمدا فیما تده، یاد آوری کنم، کسی که تا شما همانا نندنا ما وی باشد، در سال ۲۲ که فکر میکنم بعدا "تاریخ شما باشد، نه از ترس بلکه برای آنچه آ میز کردن مسئله، از مکه هجرت کرد. هجرت باعث سرآغا زواقتا، را سلام شد. هجرتا علی حضرت هم ممکن است سرآغا زواقتا رن باشد"!

(خاطرات روز ولت، ص ۱۸۶).

از همان روز دولت مصدق تظاهرات ضد درباری را ممنوع اعلام داشت و برانفعال و سرگردمی توده ها افزود. سازش مصدق در این روزهای واپسین، بیاتنگر این واقعیت بود که جنبش دچار تفرقه و پراکنندگی است و توده های بی رهبری، به تکرار قیام ۳۰ - تیر سر نخواهند آمد. خیانت مصدق نقطه پایان خیزش و مبارزه خدا شنما ری در این سال بود.

از ۲۷ مرداد "دلارهای" معروف میان - اوپاش و چاقو کشان تقسیم شد و بنظر میرسد رقم "ده هزار دلاری" که روز ولت ذکر میکنم، موقوف ترازمیلیون ها دلاری باشد که مردم شایع کردند. در همین روز، مبلتی به ریال با شماره چک ۷۰۳۳۵۲ و به نام آ. ک. دونالد از بانک ملی دریافت گردید.

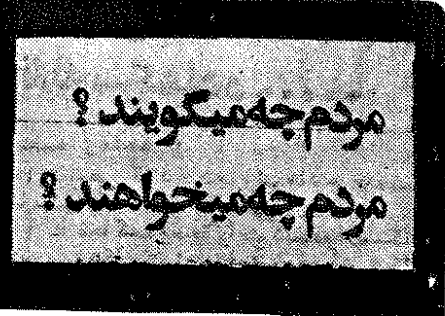
در بعد از ظهر ۲۷ مرداد، آیت الله بهبهانی، فواض ویا اندازان شهرن را به خیابان های شهر ساز زیر کرد. محفل معروف محمود مسگر، اوپاشی همچون شعبان حفری، طیب، رمضان بیخی، تظاهرات شاه - پرستانه را آغاز کردند، فاحشه ها و خانم رئیس ها زیر حمایت نظامیان، در حالیکه عکسهای "علی حضرت" را حمل میکردند، خیابانها را با تصرف خود درآوردند. سپس نوبت دفاتر و جانه ها رسید، جماعتداران با زار را به تعطیل کشانیدند و مردم را - واداشتند که با روشن کردن چراغ اتومبیلها مشارکت خود را در این مراسم جشن و سرود اعلام دارند. از صبح ۲۸ مرداد ارتش بر نهاد های دولتی تسلط شد. رئیس کمکهای - نظامی در گزارش به کنگره و در راه بینه - آماده کردن ارتش میگوید: "وقتی که بحران شروع شد... ما ضمن اقدامات دیگر، فعالیت خود را تشدید نموده، به سرعت ارتش ایران را برای اقدام فوری و جدی آماده نمودیم و با تحویل یمن، چکمه، لباس، سوزن، تورهای الکتریکی و کمکهای پزشکی، شرایط مساهل برای حمایت از شاه فراهم ساختیم... در روز ۲۸ مرداد تفنگ ها ئی که قیام کنندگان در دست داشتند، عرابه ها ئی جنگی که سوار بودند، زره پوشها ئی که در خیابانها سواره افتادند، وسایل مخا براتی و ارتباطات راد یوتی، همه و همه از طریق کمکهای نظامی آمریکا تهیه شده بود و کلیه این اقدامات، بدان جهت انجام گرفت که حکومت ضد آمریکا - ئی ایران ساقط شود".

روز ۲۸ مرداد، پس از تسخیر رادیو، و در ساعت ۳/۵ بعد از ظهر، سقوط دولت مصدق و ظهور دولت کودتا اعلام شد. در ۳۱ مرداد، شاه در باره زکشت از تبعید، و در سپاسگزاری از آمریکا، خطابه کیم روز ولت میگفت: "من تا به تخته ترا از برکت خدا وند، ملت من، ارتش و شما دارم"!

در این ساعات وحشت، مردم سرخوردند. ایران، جویای پاسخ برای علامت سوالی بودند که پیش یا شان سبز شده بود. مصدق در جواب تلفنها و اعلام آمادگی مردم در - پشتیبانی از او میگفت: "از دست من هیچ کاری ساخته نیست، هر که ر دلان میخواهد بکنند"؛ و واقعیت این بود که دکترا مصدق در نهایت امر سازش با آمریکا را به قیام توده ها ترجیح میداد و در هیچ همه جا نبه مردم علیه سلطنت که با مشروطه طلبی او در تضاد بود، همان "خطر کمونیسم" را می دید که آمریکا ثیان پیش می کشیدند.

حزب توده در حالیکه سا زمان افسری را به دست می سپرد و افسران را از دخالت علیه کودتا منع میکرد، در برابر بر خشم توده ها و حزبی که سرآ ۲۸ مرداد، رهبری را پوششی برده بودند، جوابی نداشت. کمیته مرکزی برای آرام کردن هواداران، اکنون مبیابست توجه ایدئولوژیکی ارائه دهد. بیانه رهبری تشویری انقلابی خود را چنین اعلام داشت: "مرحله اول انقلاب، انقلاب ملی است که بورژوازی در مجموع خود بیه استثناء، قشر کمبراد و روطرفداران انقلاب و مخالفان مبریا لیسما است... در این مرحله به مناسبت ضعف نسبی پرولتاریا و عدم شرکت فعالانه دهقانان در نهضت انقلابی، رهبری نهضت در دست بورژوازی است که تما یلات سازشکارانه دارد و در مبارزه - علیه مبریا لیسما مردم و متزلزل است. بیانه بر این در این مرحله ما را نقشی نبود که انتقادی وارد باشد. اما علت شکست نهضت و پیروزی کودتا عبارت بود از "رهبری - نهضت وسیله بورژوازی، گروهی که آنرا ترمز میکرد، ایست یکی از اساسی ترین موجبات عقب نشینی موقت نهضت ملی ضد استعماری خلقهای ایران" پس با بد صبر کرد، در مرحله دوم انقلاب رهبری و لذا مسئولیت سر نوشت نهضت با ما ست، در حالیکه در این مرحله ما کارهای نبودیم، چرا که "رهبری - بورژوازی و لذا مسئولیت نیز با او ست" (در باره ۲۸ مرداد، نشریه کمیته مرکزی - حزب توده ایران، بهمن ۱۳۲۲) در پاسخ به اینکه چرا افسران توده ای مانع از پیشرفت کودتا نشدند و به میدان نیامدند، حزب می گفت: "این عمل بدین آمادگی مردم در حکم انتحار بود و ما اگر اقدام عمومی صلحانهای انجام می دادیم شکست و سرکوبی شدید میشد و مساهل پیشقراولان را در بر بردی ما ساوی بدون - آمادگی عمومی از دست میدادیم" (گفتاشه - چرا غرآه آینه ده است، ص ۶۳۳). بدینسان - رهبری دست روی دست گذاشت و سا زمان افسری را که هنوز بهنگام انتحار این جزوه لونیفته بود، به ما مان خدا رها کرد، اگر نخواهیم طبق شواهدی که امروز موجود است، بگوئیم لودا!

آن بیانه با قطعنا مه پلنوم حزب تود که بعدها به خیانت رهبری اعتراف میکرد در تضاد بود. کامبخش مهمترین اشتباه حزب را در عدم شناخت بورژوازی ملی ایران درک نکردن ماهیت آن و عدم تشخیص خصلت ضد استعماری جبهه ملی بیانه شد (نظری - به جنبش کمونیستی ایران، ص ۵۷). قطعنامه پلنوم هم میگفت: "با توجه به شعارهای - رهبری حزب قبل از کودتا - از قبیل - مبدل میکنیم، با توجه به پیروزیهای خلق ما در مبارزه برای ملی کردن نفت و علیحد



"کسی که در عمل فزا موش میکند که وظیفه اش اینست که در طرح و تشدید و حل هر گونه مسائل عمومی دمکراتیک، در پیشاپیش همه باشد، آنکس سوسیال - دمکرات نیست" - لنین

ساعت نزدیک به ۲ است ایستگاه اتوبوس از دانش آموزان موج میزند، چند دختر دانش آموز که در کناری به آرامی با هم صحبت میکنند توجه را جلب میکند "دیدید یا وجود اینکها اینهمه بچه ها را میگردند، نتوانت پرا زشما شده بود" و دیگری که هیکل زیر نقشی داشت گفت "معلومه وقتی تونختت وزیر ی که اینقدر همه را با زور میگیرند بمب بگذاردند یا بد که تو مدرسه شاعر بنویسد، ما بی عرضه ایم، بلند نیستیم همه که مثل ما نیستند نزدیک میشوم و میبرسم" چه جوژی شما را میگردند "بچه ها نگاه میبهم میکنند و میگویند "زچی حرف میزنی" میفهمم که ترسیده اند پس از آن که کسی حرف میزنم میفهمند که منم مثل خودشانم دخترا ولی که روسریش تا روی آبروهایش آمده میگوید "موقع ورود همه جا را میگردند، لای برگها یکتا ب، کیف و جیبها و همه جا را میگردند میگن شما را میگردیم که بمب تو مدرسه نیا زنی یکی نیست بهشون بگه آخه بمب که لای برگهای کتاب جا نمیگیره" دختر ریز نقش پرسید وسط حرفش و گفت "از نظرا بنهائ اعلامیه یا بمب فرقی ندارد" و بعد خطاب به من گفت "اصلا میدونید مدرسه را زدن و کرده اند همه جا جا سوسه سرک میکنند، معلمها توهن کاری دخالت میکنند، محصلین را که با رسال پیش هم می نشاندند یا با هم دوست بودند از هم جدا کردند و هر کدام را به یک کلاس فرستادند" دختری که تا بحال ساکت بود با خشم و نفرت میگوید "خیلیها را اجرا کردند، دوست خود من را اعدام کردند، فکر میکنند ما خفه میشویم که هر غلطی خواستند بکنند، کور خواندند" اتوبوس آمد و همه بطرفش دویدند، در حال رفتن میگویم "موفق باشید" "پاسخم را بلیخندی مضموم و میدبخش میدهند. لبخندشان در او چخفان و سرکوب از ادرا نوید میدهد.

چهره پرچین و جروک پیر مرد لنینیات فروش نشان از سالها رنج و درد میدهد. خانم چادریها بچه ای ۴،۳ ساله وارد میشود، بچه که پاهاش کفش ندارد مداوم اصرار میکند و بستنی میخواهد زن بیچاره احتی سرش فریاد میکند "پدرسگ من پول پنیر را قرض کردم از کجا بیاورم -

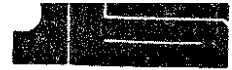
برای توست از ریستی بخرم" ۲۰۰ گرم پنیر میخورد و موقع پول دادن میگوید "همه چیز گرون شده، آدم نون و پنیر هم نمی تونه بخره فقط جون آدمیزاد از زونه و بعد از آنکه بقیه پولش را میشمارد و میگوید - "حاجا حمدا امروز ۲۰۰ گرم پنیر ۱۵ هزار گرون شده آخه نصف کجاست؟" پیر مرد لینیات فروش با عین نیت داد میزند "به من چه خانم اون پدر سوخته ها گرون میکنند" و به عکس خمیشتی اش اشاره میکند که روی شیشه چسبیده و او داده میدهد "من که نمی تونم از زون بدم، اینقدر همه چیز را گرون کردند که از مشتریها مشرونده ام اما چه کنم با ورکن دارم و رشکست میشوم، این سوراخی را هم مجبورم ببندم تا شما ها از دست حاجا حمدا راحت شید، زن با نا راحتی سر میجنبا ندوم مثل اینکها حرفهای حاج احمد را کاکا ملا درک میکنند میگوید "خدا نکند" موقع رفتن حاج احمد یک بستنی میدهد دست بچه و دستی به سرش میگذارد. آقای آبی از دم در سر میگذرد و میپرسد "سیگار آزادی داری" حاجی بلند جواب میدهد "مشهدی آزادی همین سیگارش باقی مانده که آنهم گیر نمی آید"

جلوی شعبه ۲ دادگاه مدنی خاص زن مستی با چادریا ه رنگ راه میروود و در پشت سرش دختری ۲۰-۱۹ ساله چادری می آید، گریه میکند و با خودش حرف میزند، جلو میروم و سر صحبت را با میزنم نگار که دختر منتظر است درد دلش بازمیگوید "چه زموته ای شده، بدبختان کردند، آقا قول میداد که وضع زنها خوب میشه اما زدن قولش رفتیم کمیته، رفتیم پیش آخوند مسجد، حالاهم دادیم دادگاه فایده نداد، هیچکس طرف ما نیست، زن تاسا بوده بدبخت بوده" میپرسم "مگر چی شده؟" دختر با حق هق گریه میگوید "شوهرم یک زن دیگر گرفته، دوتا بچه من گرسنه ولختند رفتن یک زن دیگر گرفته" وزن - من که معلوم است ما درد ختراست می گوید "همه هم میگن حق داره، میتونه اینکارا بکنه، آخوند محل میگفتن قانون بهش حق میده حرفش را با و بر کردیم او مدیم دادگاه، دیدیم ای دادو بی داد راست میگفتند، قانون میگه هر چه مردها میخوان میتونن زن بگیرند" میگویم "غصه نخور ما در این رژیم رفتنی است، مردم همه تا راضی هستند مدتی نمی گذرد که دست بدست هم میدهند داد خترا توو همه زنها، جوانها و کشته ها یمان را از این رژیم میگیرند" دختر جوان با خشم و نفرت میگوید "خدا کند، یک زمانی آقا را خیلی دوست داشتم ما غلامیخوا مسر به تنش - نماند، همه را بدبخت کرده، چادریها قجور سرمان کردند، توستی خورمان کردند حالا هم جوانها یمان را یکی یکی میگیرند، الهی گور به گور شه" دختر و ما درش دور می شون. پیش خودم میگویم هر گاه که توده ها خود در تجارب عملیشان به ما هیت ضد خلقی "رهبران پی میبرند - آنچنان که در این ۲/۵ سال برده اند - درخت انقلاب با رورتر میگردد.

مرد جوانی در تاسی با عین نیت صحبت میکرد "آگر سرما به زیا دنداشتسه با شی کلاهت پس معرکه است یک شوکت تجا رتی با سرما به ۸۰۰ هزار تومان ترست کردیم که سرما به دارانش اکثرا "کارمنظن اخراجی و مهندسین بیگار هستند، یک هفته پیش با سارا ز ۳۰۰ دست آمدند و ۱۰۰۰ عدد قالیچه پلوپوزرا که برای فروش حمل و نقل میگردیم مصا دره کردند" زانده پرسید "موزشان چی بود" وا و گفت "هیچ فقط ما از همه بدبخت تریم دستمان تو دست آن با لاشیا نیست" تجا ریزرگان این همه مید زنده هیچکس نمیگوید بالای - چشمشان ابروست اما ما را به بیانه که گران فروشی مجازات میکنند، مدرحمت به اتای اصناف شاه "گفتم خوب لایسد قیمتشان گران بوده است با عین نیت گفت "اینطور نیست الان توضیح میدهم چرا" مثلاً ما یک نوعا بدبختانی تهیم کرده ایم که قیمتش هم مناسبه ما الان رودستان مونده و فروش نمی رود. - علتش اینست که تجا ریزرگ با سرما به زیا دارا زان بین و فیلیپین با ندران - وارد کرده اند یعنی بعلت همدست بودن با وزارت بازرگانی و سردمداران رژیم عوارض چندانی نیز نپیدا خته اند پس از آن میفروشدند و در نتیجه ما را خانه خراب میکنند، الان ما هیچ تاسینی نداریم اگر بدای نیم دولت آزما حمایت میکنند و نمی رود جنس ما به بازار وارد کند یک امیدی هست ولی دولت به ما اهمیتی نمیده هیچ، زور هم میگه دست مثل زمان شاه همه چیزا تحماریه "زانده بعدا زیبا ده شدن او با خنده بلندی گفت "بین این لامصب ها چیکار کرده اند به هر کس نیش زندان این هم سرما به دارا زان چطورنا را ضیه" گفتم گوسرمایه دارا زان خرد بورژوا بود بیشتر سرما به دارا زان - این رژیم را ضینه" با لبخندی گفت "سوخی کردم ولی غصه نخور اینها که ما ندانسی نیستند

"خیرات جنگ از کیسه"
بقیه از صفحه ۸
پیش رفت و پرسنل انقلابی را سا زمان داد. با بدکوشید توده های وسیعی از ارتشها را در اشکال متفاوت متشکل نمود. باید تجارب قیام را به پرسنل یادآوری کرد و گفت که چگونه هم قران با بیوستن بسه توده ها در قلب خلق جای گرفتند اما مزدوران، چون خسرو دادو گار دجا ویدان که در مقابل سیل توفنده خلق ایستادند به سزای اعمال تنگنیشان رسیدند. باید با روشهای مختلف سیستم اطاعت کوکوران درون ارتش را بیش از پیش افشاء کرده و با آن مقابله نمود، باید اعتراضات پراکنده پرسنل را سا زمان داد و به آن شکل جمعی بخشید. از هم اکنون باید در باره زور و دروغی با توده ها به افشاگری و ایجا دعوی بر ضد آن پرداخت. باید پرسنل را بر ضد هر گونه فرمان ضد خلقی برای تکلیت و بسیج کرد. - باید علل واقعی سیاستهای فریبکارانه

استقلال - کار - مسکن - آزادی



با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید

جمع آوری در دومین
سینار هوا داران
سجفا در آلمان غربی
بخش دوم

کلن ۵۰۰ ماریک
بخوم ۱۷۰
برلین ۲۷۰۰
فروش غذا ۵۰۰
گیمین ۴۵۰
ها میورگ ۳۰۰
مونستر ۱۰۰۰
بن ۲۰۰
بیلفلد ۲۰۰
۴۰۵ ۴۰۰

رفقای همدان
الدوز ۵۰۰
ع ۲۵۵۲
ر ۳۰۷۵
ب ۲۰۱۴
ش ۱۰۰۰
ن ۵۰۳۳
صبا ۷۰۰۰

رفقای آذربایجان
شیراز
پویا ۱۵۳۱
س سلطانبور
۱۰۰۰
با یک ۱۰۰۰۰
میانانه
ش ۳۲۳۱
ر ۲۵۷۱
ج ۳۳۱۱
ع ۷۲۲
انوشه ۳۰۰۰
اردبیل
ع ۱۱۱۱
ح ۷۲۲
- ۵۳۳
سرباز ۲۰۰۰
سراب
م ۱۰۰۰
رفقای دختر
۱۰۰۰

کمکهای مالی هوا داران
در آمریکا
س آنجلس ۶۵۳
س آنجلس ۴۴۲
ن ۳۰
ه ۲۰
نیویورک ۱۵۷
نیویورک ۷۵۲/۵۰
پلمن ۳۲۲
و-ک ۴۷
ر-ل ۶۴
م - ۱۷۶ ۱۴۰

رفقای آذربایجان
شیراز
پویا ۱۵۳۱
س سلطانبور
۱۰۰۰
با یک ۱۰۰۰۰
میانانه
ش ۳۲۳۱
ر ۲۵۷۱
ج ۳۳۱۱
ع ۷۲۲
انوشه ۳۰۰۰
اردبیل
ع ۱۱۱۱
ح ۷۲۲
- ۵۳۳
سرباز ۲۰۰۰
سراب
م ۱۰۰۰
رفقای دختر
۱۰۰۰

آر لنیگتن ۱۰۰ ۳۴۵
کرنل ۱۰۰ ۱۰۰
ر-ش ۱۵۰
ک-پ ۱۵۰
ب ۷۵۲/۷۰ ۷۵۲
م ۳۱۳ ۴۰۰
س ۱۱۱ ۱۰۰
لس آنجلس ۱۱۰
نیویورک ۳۰۱
ب-ا ۱۴۰
ب-ل ۱۰
کاربندی ۲۰
مهدی ۱۰
لینکلن ۱۳۰
توسا ۵۰
شیکاگو ۱۰۰
اسپارکس ۱۰
ارالا ۳۹/۵۲
بوفالو ۲۱۸
مهدی ۶۸/۵۰
اسپارکس ۵۰
بتلهم ۱۷
کلیمیا ۳۴
ناصر ۴۰
م-ا ۱۰
کلیمیا ۱۰
دکلب ۴۰
منهتن ۳۸۱
لیتل راک ۵۰۰۰
ریال
بهرور ۳۸-۱۹
۱۹۳۸

هدیه عروس
۵۰۰۰ ریال
رفقای مازندران
هما بیونکتیوالتی
۱۰۰۰ ریال
س ۲۱۱۱
م ۱۶۱۰
روجا ۱۲۲۲
کمک بسه
تامین هزینه
نشریه کار
الف-م-
۲۰۰۰
سلطانبور
۲۳۰
رفیق قاسم
۳۵۰۰
رفیق مادر
۲۰۰

پرسل فدائی
ک ۱۰۰۰
م ۵۰۰
س ۵۰۰
ج ۵۰۰
ر ۵۰۰
م ۳۰۰
ش ۱۰۰۰
خ ۵۰۰
ص ۳۰۰
ه ۵۰۰

رفقای زنجان
ح ۲۲۷۳
س ۱۱۰۱
ظ ۱۱۰۲
ف ۱۳۹۸
ک ۵۵۵۰
ن ۱۱۲۰
ج ۶۲۰

رفقای خراسان
نولال
س ۵۰۰
آ ۱۰۰
ف ۲۰۰
م-م ۳۰۰
س ۸۰۰
ق-ق ۲۰۰

رفقای مشهد
محمد مرندی
۱۰۰۰۰ ریال
رفیق سرین
۶۰۰۰ ریال
بهم رهبر
۱۰۰۰۰ ریال
- ۱۱۰۰
اکوپین بنزیر
الف-الف
۱۰۰۰ ریال

رفقای اردبیل
نولال
س ۵۰۰
آ ۱۰۰
ف ۲۰۰
م-م ۳۰۰
س ۸۰۰
ق-ق ۲۰۰

رفقای تبریز
رفیق زاینی
۱۰۰۰
صمد ۲۰۰۰
بیادفرید
۲۶۰۰
معلم اخراجی
۵۰۰
رفیق آه
۱۰۰۰۰

رفقای تهران
نولال
س ۵۰۰
آ ۱۰۰
ف ۲۰۰
م-م ۳۰۰
س ۸۰۰
ق-ق ۲۰۰

رفقای اصفهان
نولال
س ۵۰۰
آ ۱۰۰
ف ۲۰۰
م-م ۳۰۰
س ۸۰۰
ق-ق ۲۰۰

رفقای شیراز
نولال
س ۵۰۰
آ ۱۰۰
ف ۲۰۰
م-م ۳۰۰
س ۸۰۰
ق-ق ۲۰۰

رفقای کرج
نولال
س ۵۰۰
آ ۱۰۰
ف ۲۰۰
م-م ۳۰۰
س ۸۰۰
ق-ق ۲۰۰

الف	۱۰۰۰	۱۱۱۱	۵۳۸۱
ر	۲۲۰۰	۱۰۰	۸۳۸۱
ب	۱۵۰۰	۱۱۰۰	
ز	۲۳۳۳	۳۱۱	۱۰۰۵۵
س	۱۲۲۲	۵۱۰۰	۱۰۱۰۱
ش		۱۱۳۱	۱۱۶۸
ح			۲۶۱۹
ط	۴۶۱۱	۲۹۹۹	۲۱۰۰
ث	۱۱۶۹	۱۱۰۰	۱۱۰۰
ج	۲۱۱۲	۱۵۵۵	۵۰۰
چ	۲۲۲۲	۱۵۰۳۱	۲۰۰
ح	۱۰۱۲۹	۱۰۱۱	۶۵۳
ط	۱۱۹۹	۷۶۲۳	۳۴۳۰
ث			۱۱۱۱
ج	۱۳۳۳	ش	۱۴۴۴
ح	۵۱۰۰	س	۲۹۸۷
ط	۵۵۰۰	ش	۴۴۰
ث	۱۵۱۹	ش	۸۱۱۱
ج	۲۱۲۳	ش	
ط		ن	۱۰۳۶
ث	۶۰۰	ع	۱۰۳۶
ج		ع	۱۰۳۶
ط	۵۶۱۹	ع	۴۱۰۰
ث		ع	۲۲۲۲
ج	۵۱۹	ع	۳۱۱۹
ط		ع	۲۱۱۱
ث		ع	۱۰۸۷
ج	۵۱۰۰	ع	۲۲۲
ط		ع	۱۲۲۰
ث		ع	۵۶۸۴
ج	۲۳۱۰	ع	۱۰۷۶
ط	۲۵۰۱	ع	
ث		ع	۳۳۳۳
ج	۵۳۳	ع	۱۶۶۲
ط		ع	۸۶۰

امانت شمارسید	۳۳۳	رفقای سفده	۳۳۳۰
سردشت	۱۱۰	س آمریکا	۱۶۱۱۱
بدون کد	۱۰۰۰	رفقای دختر	۵۰۰۰
پیشگام الف	۲۰۱۱۱	از صحنه	۱۳۰۰
م-م	۵۰۰۰	رفقای صحنه	۱۳۰۰
آوا	۳۰۰	پیشگام اقتصاد	۲۰۰۰۰
رفیقهما فرار	۱۰۰۰۰	رفیق زاینی	۱۰۰۰
دزفول	۱۰۰۰۰	صمد	۲۰۰۰
رفیق سعید	۴۵۰۰	بیادفرید	۲۶۰۰
توماچ	۲۴۲۰	معلم اخراجی	۵۰۰
سمنان شورا	۵۰۰	رفیق آه	۱۰۰۰۰

نامه سرگشاده

بسیه از صفحه ۲

۱۰ - ملی کردن تجارت خارجی، کلیه با نکحه و موه سات مالی
۱۱ - محاکمه و مجازات کلیه وابستگان و سرسپردگان رژیم سابق و همچنین کلیه سردمداران و ایادی رژیم کنونی که مرتکب اعمال جنایتکارانه گردیده و با انقلاب مردم خیانته و ورزیده اند.
۱۲ - افشاء و نفوذكلیه قراردادده سالی اسارت بار (اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی) با کشورهای امپریالیستی
۱۳ - اتخاذ سیاست خارجی ضد امپریالیستی، اتحاد و همکاری با کشورهای سوسیالیستی و مترقی و حمایت از جنبشهای آزادیبخش و انقلابی خلقهای تحت ستم و نیروهای انقلابی و مترقی سراسر جهان.

۱۹/ شهریور ۶۰
* - اگرچه این نامه سرگشاده به سازمان مجاهدین خلق نوشته شده است، اما ما طبعاً "پلاتفرم فوق میتوانند میتوانند مذاکره تمامی نیروهای انقلابی و مترقی در جهت دست یابی به یک پلاتفرم مشترک باشد.

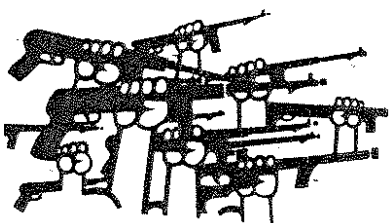
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

راه کارگر

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

اکثریت جناح چپ

مادرشماره های آینده در مورد پلاتفرم به تفصیل صحبت خواهیم کرد.



اخبار شهرستانها

زنجان

وقتی خیرمرگ فرماندهان مزدور ارتش جمهوری اسلامی درها دگان پختی میان سرپا زان شوروشوخی بیسایه بچشم میخورد. سرپا زان و سرپیل جوان ارتش از این خیر خوشحال بودند و در چندینجا هر خود را غمگین نشان می دادند و باطنی "خوشحال بودند و از این جهت بود که شاه هدمرگ قاتلان خلق ترکمن و خلق کرد بودند. فرماندهان - مزدوری همچون، فلاخی، وفکوری و کلاهدیز که دستشان تا مرفق بخون زحمتکشان و خلق های ستمکش ایران آغشته است در این حادثه که به معدوم شدنشان انجامید انتقام خون دهقانان مظلوم کردستان و ترکمن صحرا را پس دادند. از طرف - انجمن اسلامی پادگان مجلس ختمی در پادگان سرگزرا شد و علیرغم تا کید مکرر فرمانده و آخوند پادگان که میگفتند در این مجلس شرکت کنید و با فرماندهان عمليات قهرمانانه از مزدوران تحلیلی میکردند، اما در نظرا کثرت سرپا زان این عمليات قهرمانانه آنان جنایاتی بود که مزدوران در حق خلقهای ایران انجام داده اند.

زنجان ۷/۱۰/۶۰ در ساعت ۹ صبح روز جمعه ما شین فرماندهی (سرهنگ فرمانده پادگان) را با پادگان داخل پادگان (پادگان) انقلاب اسلامی مامور پادگان (سوار شده و برای اخذ رای همه سرپا زان را جمع میکنند و استفاده از ما شین سرهنگ هم از اینرو بود که سرپا زان را غافل گیر نماید. در محل رای گیری یک سطل آشغال در با ز گذاشته بودند تا بتوانند رای های را که به داخل سطل "سندوق" رای می اندازند کنترل کنند با وجودی که به این کار اعتراض شد چون - حالت مخفی بودن رای را از بین میبرد اما به اعتراضات توجهی نشد و تا کید شد که رای را به همان داخل سطل بیندازند و با وجودی که شنا سنا مه همراه کسی نبود تا کید کردند که مهم نیست ما اسم شما را می دانیم و ورقه های رای را به دست ما دادند پشت ورقه های رای عدادی را با قلم نوشته بودند که با این وسیله بعداً "ورقه" ها را کنترل کنند و ما هم که می دیدیم این چه قه ای است روی ورقه ها خطی کشیدیم و به داخل سطل که بجای سندوق بود انداختیم. لازم به یاد آوری است که بیشتر سرپا زان را بوسیله ما شین فرماندهی غافل گیر کرده و پایی سطل رای - آورده بودند.

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید

ریاست آموزش و پرورش احضار میشوند تا در مورد محصلین کلاس پنجم ابتدائی که در ورقه امتحانی خود در جواب سؤال :
۵. موردا ز نجسها ئی که تیدن را کثیف می کنند و تا ز را باطل میکنند نوشته بودند رفتنجان - خامنه - پرورش و... پاسخ گوید.

بدعوت سپاه پادگان مراسم رژه ای در میدان شهرداری این شهر در تاریخ ۷/۲/۶۰ برپا شد که تنها ۲۵ نفر از اعضای خانواده های یکشته دگان سپاه و بسیج و غیره ناظر بودند و شرکت کنندگان در رژه شامل : سپاه ۳۰ نفر - شهرپا نی ۱۲ نفر - ژاندارمری ۱۵ نفر - بسیج ۳۵ نفر و دختران حزب الله ۳ نفر که همگی مسلح بودند و بخیال خود میخواهند با برگزاری مراسم رژه مردم را مرعوب - سازند و سلاحهایشان را بر رخ مردم بکشند اما مردم با بی اعتنائی و عدم شرکت خود در این مراسم بین مزدوران را وحشتزده کردند.

شان مراجعه کردند با چند شرط مواجه شدند :
۱- هیچگونه مراسمی برگزار نکنند
۲- دفن جسد در خانه انجام گیرد و مقدار پول تیرباران خود را از آنجا شیکه خانوادها شهید این شروط را نمی پذیرند تا چار - خود سپاه جسد را به روستا می آورد و اهالی روستا علیرغم حضور پادگان سرما به در محل جسد را به قبرستان عمومی برده و دفن میکنند و با مقاومت خود در مقابل خواستهای مزدوران رژیم قدرت متحد خویش را می آزما یند.

والیاء آنها به مدرسه فراخوانده میشوند.
* در یکی از مدارس بچه های و کلاس تصمیم میگیرند جا سوس تازه واردی به مدرسه و کلاستان را از خود طرد و افشاء کنند (تاما فرا د کلاس) به همین خاطر مرتب بر میگردند و با شک به صورتش نگاه میکنند بصورتی که او نا راحت میشود و سرش را - با شین می اندازد. بچه ها تصمیم میگیرند نگذارند او در دردیهای عقب بنشیند و را در ردیف جلو میگذارد تا نتواند کسی را کنترل کند.
* در یکی از مدارس دیگر تیریز صف صبح تشکیل میشود ولی بچه ها به جز فالانژها نه شعارها را تکرار میکنند نه اینکه ورزش میکنند.

گریه به خمیستی بخش میداد و بد رستی او را غافل کشتار جوانان معرفی میکرد. بلافاصله ما شین کمیته سر رسید تا او را از منطقه دور سازد اما خواهرش مانع این امر شد اما طولی نکشید که مزدوران رژیم با قنداق تفنگ او را ضربه زدند و او که دستش ظاهراً شکسته بود بیپوش شد و برادرش را بردند. مردم که تا طرا این صحنه جمیع بودند شدت از این حرکت دژخیمان رژیم را زانجا کردند و دختر بیپوش را به بیما رستان بردند مردی از میان جمعیت گفت : اگر ما هم اسلحه داشتیم زانها براحتی دفاع می کردیم.

ا بهر
* غلامحسین رجیبی معروف به میر هدئی که از فیلانهای معروف است و یک سال پیش به سمت ما مور را هتما و مدارس منصوب شده است به روستای "سوکهریز" رفته و به خبرنگار رکبان ورزشی که در ضمن معلم نیز هست نیکویدا اگر عکس مرا که از کشتی گیران خوب هستم در جلسه ورزشی ببیند ازی و مرا با کلمات ورزشی تشویق کنی قول میدهم که تقاضای انتقال را بمرحله اجرا در آورده و تورا به نزدیک ترین نقاط ابهر منتقل کنم!
* بمناسبت اول مهرماه در ابهر راهپیمائی ترتیب داده شده از سوی رژیم تنها با شرکت ۶۰۰ نفر دانش آموزان بهم محصلین ابتدائی برگزار شد و دانش آموزان آگاه و انقلابی با عدم حضور خود در این مراسم مشت محکمی بدهان رژیم کوبیدند.
* آموزگاری بنام حیدری به دفتر

روستای کلاگر محله پابل
بتاریخ دوشنبه ۲ شهریور ۴۰ تن از هواداران مجاهدین خلق که صبح همین روز دستگیر شده بودند در محوطه دادگاه انقلاب! (قصر) تیرباران شدند. یکی از اعدا م شدگان غلامحسین شاهانی فرزند کشا و رزحمتکش روستای کلاگر پابل بود. خیر اعدا پس از ۵ روز اعلام شد و خانواده شهید که برای گرفتن جسد فرزند انقلابی

تیریز
* در غزاداری مجاهد خلق "خلیل امجدی متنی" در مسجد تبه با غبا ساران حمله میکنند و حدود ۲۵ نفر از جمله دو روحانی را دستگیر میکنند. دو روز بعد بجزه تفریقیه را آزاد میکنند.
* در جمعه ای که آیت الله مدنی کشته شد رئیس شهرپا نی شدیداً "مورد حمله حزب الهی ها قرار میگیرد و پایش شکسته میشود بطوریکه تا میرده را به بیما رستان منتقل میکنند.
* در یکی از مدارس مرکزی تیریز شعاری بر روی صندلی یک کلاس نوشته میشود (مرگ بر حزب جمهوری) که هر دو - کلاس که حدود ۱۰۰ نفر بودند خراج میشود

قائم شهر
روژه شنبه ۷/۲/۶۰ در جلوبیما رستان ولی عصر طبق معمول چند ماه گذشته عده ای از خانواده شهدا اجتماع کرده - بودند تا اجساد فرزندان انقلابی خود را تحویل گرفته و تشییع کنند. بروجوانی با تفاق خواهرش در میان جمعیت و با گریه و شیون فراوان نظرها را بسوی خود جلب کرده بود. او سرپا زنی بود که از اهالی روستاهای اطراف قائمشهر بود. و در حین

اخبار شهرستانها

همدان

گروه های مسلح راست گرایي در شهر تشکیل شده بینا مهاي گروه حامي ديالنه وانجمن حتى كه قصد ترور نيرو ها ي انقلابي در صورت مشكوك شدن را دارند و معتقدند كه سياه در بر خوردي گروه ها ا همال به خرج ميدهد. از قرار معلوم اين گروه در شهرهاي ديگر هم شعبه دارد. عنا موسس آن در ارتباط مستقيم با سياه هستند.

او اخرفته گذشته مردی با زن و فرزندش در خيابان کرمانشاہ قدم می زدند. مرد توسط پاسداران به گلوله بسته میشود و همانجا میمیرد وزن او با شیون و فریاد مردم را جمع کرده و سباهیان سرمایه بی شرمانه به دست های مرده - دست بند زده و جسد را با خود برده و میگویند او یک خدا انقلاب بود.

روزيك شنبه ۶۰/۷/۵ منشی دادگاه انقلاب به نام حمید رستنده مورد اصابت دو گلوله قرار میگیرد.

رفقای هوادار سازمان دزهدمان طی اعلامیه ای اعداد ۴م رزمنده خلق را محکوم کردند. در قسمتی از اعلامیه آمده است: همشهریان قهرمان "کا رگران و زحمتکشان در پی موج خیزدستگیری در سراسر کشور پیدا دگا شهرمان بدنیا ل اعداد م دو ما ه د خلق در تا ریخ ۶۰/۵/۱۲ وعمل کردهای ضد خلقی بعدی در مورد انقلابیون حکم اعداد م چهار فرزند رزمنده را نیز در تا ریخ ۶۰/۷/۲ با جرا د را ورده است. این مبارزان جان برکف، "کومنیست - بیگارگر" حسین جمشیدی" و همرزمش مجاهد خلق شیرز قهرمان "پرویس - مستوفیان" و مبارزان انقلابی" محمدرسانی باریگری بیمان خود را با خلق زحمتکش و با خون سرخشان تجدید کردند و راه خلق و جوادان ماندن را به خاشنین و بزدلان نشان دادند.

در سپاه پاسداران همدان تفرقه و بی اعتمادی بین پاسداران حکمفواست تا جایی که خبرهایی را از مسئولین پنهان میکنند.

سنندج

روزيك شنبه ۶۰/۶/۲۹ عده ای بر- مزار ممندی زندی در بهشت محمدی جمع میشوند. پاسداران هم راه دستگیر می کنند و می گویند شما حق ندارید جمع شوید که در میان دستگیرندگان با سبانی هم بوده بعد از اطلاع شهر بانی میخواهند او را آزاد کنند ولی پاسداران امتناع میکنند که افراد شهر بانی پاسداران را تهدید به درگیری میکنند و بطور مسلحانه جلوی مقر سبایه جمع میشوند و با سبسان مذبور را آزادی نمی نمایند.

در روز ۱۷ شهریور مرکز قرارگاه لشکر ۲۸ سنندج متفجر گردیده است. در این انفجار حدود ۱۸ نفر کشته شدند.

از افسران ارشد بوده اند مجروح گردیده اند. تا قبل خبر که یک افسر جزا ارتش است اظهار میداشت. مقصود از انفجار کشتن سرهنگ جلاصیا د شیرازی فرمانده لشکر و عملیات کردستان بوده است.

گورمانشاہ
دو دختر هوادار مجاهدین که هر دو خواهر بوده اند دستگیر شده اند و در نظر اظهاری در و ما در شان یکی از آنها در پی شکنجه های روانی که پاسداران انجام داده اند مثل نیمه شب کوبیدن به در سلولها و تهدید به اعدام و آوردن آنها صبح زود به قصابی اعدام، دجبار اختلال حواس شده و هم اکنون در یکی از بیمارستانهای تهران بستری است.

اعدام انقلابی يك مزدور رژیم در پاسخ به اعدام جنایتکارانه رفیق فدایی

جواد کارشی

رفیق جواد کارشی از رفقای سازمان درمها با دیو که فعالانه در راه آرمانهای والای طبقه کارگر مبارزه میکرد و عاقبت جان خود را در راه استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم فدا کرد. یادش گرامی باد. ما هر چند که مایل به اعدام اعدای اسیران جنگی در مقابل اعدای مهملای جنایتکارانه رژیم نمی باشیم و خواهستار میادله متقابل اسیران هستیم، با وجود این خاطر جلوگیری از جنایات رژیم در مقابل اعدام رفیق فدایی خلق جواد کارشی در تا ریخ ۶۰/۶/۱۹ یکی از مزدوران رژیم جمهوری اسلامی بنام غلامعلی کاشی - نژاد (پاسدار) اهل قم را که در درگیری های گمراه خیز دست یبشمرگان فدائی اسیر شده بود اعدام انقلابی نمودیم. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - معناد ۶۰/۶/۱۹

هم میهنان مبارزان رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، رژیم سرکوب و اختناق و کشتارهای دسته جمعی که آخرین لحظات تنگین حاکمیت فدا انقلابی خود را میگذرانند، از هیچ جنایتی قدام گذار نمیکنند. پس از ضربات اخیر بی مهران جنیش مقابله و مت بر بیگرنیروها دشمن در شهرها با د مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در ادمه سیاستهای فدا انقلابی و ضد مردمی و بی نهایت ارتجاعی خود، شهرها با توپ و خمپاره مورد حمله وحشیانه قرار دادند که در نتیجه بیش از ۱۰۰ تن از اهالی مبارزها با شهید و تعدادی مجروح و همچنین چندین خانه و مغازه و بیرون و با به آتش کشیده شد. همچنین در تا ریخ ۶۰/۶/۱۶ چهار تن از انقلابیون زحمتکش رفیق فدائی جواد کارشی را به جوخه اعدام -

بهاوند

چه کند با دل چون آتش ما، آتش تیر

رفقای هوادار سازمان درمها وند طی اعلامیه ای خبر از شهادت ۴ رزمنده خلق داده و در قسمتی از آن مینویسند: ... هنوز چند روزی از شهادت رفیق چریک فدائی احمد شاه میرزائی و مجاهد خلق علی محمد شریفیان بوسیله ا دزخیمان جمهوری اسلامی نگذشته بود که با ردیگردست این جنا پتکاران بخون ۴ رزمنده دیگر از مجاهدین و فدائیان خلق آغشته شد.

مردم قهرمان پرورنها وند دیگر بار در ۶۰/۶/۲۴ چهار تن از بهترین فرزندان انقلابی خود فدائی خلق رفیق عبدالرضا غفوری را به اتفاق سه مجاهد خلق مرتضی احمدوند، احمد راضی، مجیدها دیا ن - سرود بربلر روانه، میدا نهی تی - سر دزخیمان ساخت تا با خون خود پرچم سرخ رها بی خلق را سرخ تر و درختان را انقلاب را با رور تر سازند.

پاسداران رژیم باز هم...

بقیه از صفحه ۲۰

شهید شدن ۲۵ کارگر قهرمان و زخمی شدن عده زیادی از آنها است. موج خشم و نفرت در روستاهای اطراف و سراسر منطق - بوکان، مها با دومیان و آب وجود آورده و با داور جنایت رژیم در قارن، قلاتان ایندرفقا شهروکاتی و... میباشند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران این جنایت هولناک را یک برگ دیگر از پرونده سراپا جنایت این رژیم خنجر دارانته و با خانواده های این شهدا اظهار همدردی مینماید. در این رابطه علاوه بر افشاگریهای شاخه کردستان سازمان - نیروهای سیاسی دیگری نیز در این رابطه دست به افشاء رژیم زده اند. حزب دمکرات کردستان ایران - تشکیلات بوکان طی اعلامیه ای اعلام نموده است که: "عوامل رژیم این اولین جنایت و آخرین آن - نیست که مرتکب میشوند. اما خلق قهرمان و مبارز کرد و بیشمرگان جان برکف کردستان این مدافعان راستین و بی گنرازادی و دموکراسی انتقام خون زحمت کشان بیدفاع را از این جانبا ن با مطلق مدافع مستضعفان جهان!! و جاشهای خود فروخته که علیه خلقشان مسلح شده اند خواه گرفت. هیچ نیروی ضد خلقی قدرت ایستادگی در برابر موج عتراض و مبارزه بی امان خلقمان را نداشته و مزدوران با ریختن خون زحمتکشان و تکرار جنایات فجیع سندسرتگونی حاکمیت ضد خلقی - خویش را ا مضاء مینمایند."

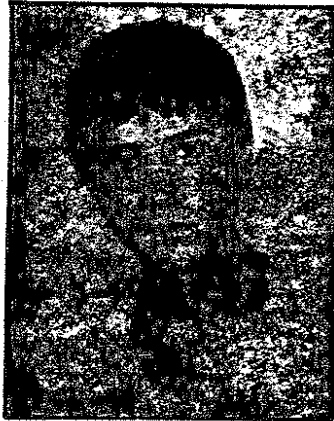


بتک است خون من

رفیق حسن دریک خانواده زحمتکش دهقانی به دنیا آمد و سرا سوزندگی کوتاه نیست سالهاش را با رنج و مشقت سپری نمود. رفیق تحصیلات خود را همگام با کار در مزرعه به پایان رساند که مقارن بود با قیام شکوهمند توده ها. رفیق پس از قیام و بعد از چند ماه فعالیت در کمیته لاهیجان به مصف مبارزین راه رها شدی کارگران و زحمتکشان پیوست و در کنار رفقای دیگر هوادار سازمان مبارزات خود را در روستاها آغاز نمود. از آنجائی که خود را زحمتکش و از خود زاهد و رنجدهقانان بخوبی واقف بود، توانست بزودی در دل روستا ثیان جای بگیرد و در کنارشان و هم دوش با آنان به مبارزه با زمینداران و رفع هرگونه ستم برخیزد. مبارزات پر شور رفیق در بین روستا ثیان و ایجاد شوراهای انقلابی دهقانی در چند روستا برای کارگزاران رژیم نمی توانست خوشایند باشد. از همین رو پساداران مزدور کمیته لاهیجان در تعقیبش بودند که با او را وادار به همکاری نمایند و با رفیق با عزمی آهنین و با ایمانی راسته مبارزه اش همچنان ادامه داد. اشعاب و بدنیال آن کثرتست سازمان از رویزیونیستهای اکثریتست رفیق را به مظلومانه کشاند که سرانجام

توانائی کامل شوریک و با شناختی دقیق از مواضع انقلابی سازمان، به سازمان خود پیوست و مبارزه اش را در روستاهای اطراف سیاهکل ادامه داد. رفیق مجبور بود که چندین ماه بصورت مخفی زندگی کند زیرا مزدوران با دستور تیرگی که از او داشتند در تعقیبش بودند. اما روستا ثیان زحمتکش با صمیمیت و با آغوشی باز او را در خانه هایشان مخفی میکردند. زحمتکشان روستا رفیق حسن را همچون فرزندان خود دوست داشتند و حتی کوچکترین کارهای خود را با او در میان میگذاشتند و از او راهنمایی میخواستند.

اینک رفیق حسن در دل زحمتکشان روستای خود جا دارد. مزار عرس سبز برنج بوی حسن را دارد و هر داسی که برای درو به ساقهای برنج می خورد تا ما و را می خواند. رفیق حسن با مبارزه خود و با آگاه کردن بچه ها روستائی و نیز با شهادت خود در سبزرگی به زحمتکشان داده است. از اینکه سرانجام پیروزی از آن کارگران و زحمتکشان است و هیچ رژیم ضد خلقی نمی تواند از مبارزات تاریخی توده ها برای رهائی از قید سرمایه و بندگی جلوگیری نماید. درود به فدائی خلق شهید حسن حامدی - مقدم.



پیشگام شهید بهنام رهبر

رفیق بهنام در سال ۱۳۴۲ مرداد ماه در تبریز چندین سال آمد. فعالیت خود را همراه با رفیق ویرا در شهر بهمن (رهبر) شروع کرد و با الهام از درسهای برادر بزرگ در مبارزات توده ها در قیام شرکت نمود و بعد از قیام به همکاری با دانش آموزان پیشگام پرداخت. رفیق، صادق پرکار و فعال بود. در مقطع اشعاب با دقت و بی گیری خطوط انحرافی اکثریت خائن را طرد و روی جناح انقلابی سازمان آورد. در قسمت دانش آموزی هواداران در مشهد شروع به کار نمود. رفیق بسیار فعال و پرشور بود. از بهترین رفقای مبلغ بود. رفیق فعالانه در فروش بخش و شعاری نویسی شرکت نموده و همواره از پرکارترین رفقای پیشگام بود. نظم انقلابی رفیق زبانزد تمام رفقا است. زمانی که به او پیشنهاد داده بود که توبه شما بیدگفته بودن هیچگاه تن به سازش نخواهد داد حتی اگر مرا اعدام کنند. او به پیروزی پرولتاریا ایمان داشت و در راه هدفش محکم و استوار چون سرودر مقابل گلوله های مزدوران سرمایه ایستاد و به همراه دور رفیق دیگر محمد و بهمن و سایر انقلابیون در محرکه چهارشنبه ۱ شهریور ماه بدون محاکمه در باغ سلک آبا د شیربان شد.

اتحاد پنهانی

آمریکا، رژیم صهیونیستی اسرائیل هستند که مجری سیاستهای امپریالیسم صهیونیسم میباشند. رژیم جمهوری اسلامی که طی نزدیک به سه سال سرکوب خلق کرد، از هیچ جناحی فروگذار نکرد. روستاها را با خاک یکسان کرد. قتل عام بندر قاش، قاربا، قلاتان را آفرید. بمب و گلوله بر سر مردم شهرها فروریخت و فتنه و آشوب و مرتجعین محلی را علیه خلق کرد مسلح کرد، اما در برابر اراده خلل ناپذیر خلق کرد و قهرمانی و دلوری این خلق تاکنون با شکست روبرو شده است. دوباره اتحاد خود را با قیاده موقت این عاملین "سیا" تشدید نموده و مشترکاً "علیه خلق کرد اقدام میکنند، امپریالیسم آمریکا که از جنبش خلقهای ایران بویژه جنبش خلق قهرمان کرد بهراس افتاده است، مزدوران خود را بکمک رژیم جمهوری اسلامی فرستاده تا مشترکاً "جنبش خلق کرد را سرکوب کنند. اقدام مشترک نیروهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و قیاده موقت علیه خلق کرد در اثنایه بیانگر اتحاد پنهانی رژیم جمهوری اسلامی و سازمان جاسوسی آمریکا "سیا" در سرکوب خلق کرد است. اما خلق

کردها چگونه که سه سال دلاورانه در برابر رژیم جمهوری اسلامی و تمام جنایات آن ایستادگی کرده است این بار در مقابل اتحاد رژیم جمهوری اسلامی و قیاده موقتها نیز خواهد ایستاد و تا پیروزی نهائی به نبرد خود ادامه خواهد داد.

در رابطه با همکاری قیاده موقت با رژیم جمهوری اسلامی، کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان طی بیانیه ای به تاریخ ۱۳۶۰/۶/۲۵ که خطاب به همه احزاب و سازمانهای دمکراتیک و انقلابی و مترقی و ضد امپریالیسم خاورمیانه میباشند، هیت این جریان مزدور امپریالیسم و این عاملین "سیا" را افشا کرده است در این بیانیه آمده:

..... این دارودسته که بیش از ۲۰ سال است با مسئله کردیه تجارت پرداخته و منافع ملت ستمدیده کرد را فدای مصلحت شخصی خویش کرده اند، به همان گونه که با مروف فرمان شاه مبارزه چندین ساله خلق کرد در کردستان عراق را به چند دلار فروخته و خون هزاران کرد شرافتمند را به هدر دادند، اکنون نیز به فرمان رژیم خمینی، دوش بدوش ارتشیان و پاداران به ظاهرا اسلامی

منطقه شمال کردستان ایران را مورد تاخت و تاز قرار داده و به کشتار مردم بی دفاع پرداخته اند. اینان پیشمرگان کردستان را از پشت خنجر زده اند، آنهم درست در زمانی که رژیم آدمکش خمینی هر روز دهها مبارز آزادیخواه ایرانی را بدون محاکمه و دادگاه اعدام می کنند و برای سرکوبی اعضا و هواداران نیروهای ضد امپریالیسمی قصابخانه دایر کرده است. دارودسته قیاده موقت در عین حال که به کردستان ایران یورش می برند با خیانتهای خود روی سداران خمینی را که تاکنون چندین دیربیا سین در کردستان بوجود آورده اند تسفید می کنند، در همان حال بر اساس روابط قطع شده شان با "سیای" آمریکا میکوشند راه را برای بازگشت سلطنت طلبان فراری از طریق شمال کردستان هموار کنند.

مبارزه ضد امپریالیسمی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

پتک است خون من در دست کارگر داس است خون من در دست بزرگوار

قمه و چاقو جسد بی جانش را قطعه قطعه می‌نمایند. این کشتار رفیع یکبار دیگر وحشت رژیم را از او جگیری می‌آورد. توده‌ها و فرزندان خلق نشان داد. رژیم خونخوار جمهوری اسلامی در پی حمام خونی که در سراسر میهنمان برپا شده است، با این جنایت فجیع با ردیگرشان دادگدشمن زحمتکشان و نیروهای - انقلابی و در خدمت مستقیم می‌ریانیم جهانی است.

رفیق حسن حامدی مقدم با ورزش و کشتان و مبارزان استین و سراپا شور و ایمان به کارگران و دهقانان، در سحرگاه روز چهارشنبه ۲۲ مهرماه در خانه اش واقع در روستای ازتوا - بسج سیا هکل، بدست مزدوران مسلح رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بشهادت رسید. پاسداران و نیروهای بسیج که قرارگاه بزرگی در این روستا دار کرده اند پس از آگاهی از آمدن رفیق بفا نه اش آنجا را محاصره کرده و با رگبار مسلسل ابتدا رفیق را بشهادت میرسانند و سپس با

رفیق شهید بهمن رهبر



رفیق بهمن در اسفندماه ۱۳۳۱ در مشهد - بزرگسالی آمد. دوران دبیرستان را با هم‌رزم خود محمد در بیرجند درس خوانده و سپس دبیرم خود را از مشهد گرفت بعد از خدمت سربازی چند سال در جزیره کیش در کارخانه بکارگری پرداخت رفیق قبل از قیام همواره در صد پویش راهی برای مبارزه با رژیم ضد خلقی شاه بود و از این جهت به تهیه و تدارک اسلحه پرداخت. با شروع جنبش توده‌ها (۵۶-۵۷) به جنبش توده‌ها پیوست و بعنوان هوادار سازمان با رفیق محمد به سازمان ندهی توده‌ها پرداخت و بعد از قیام رفیق مدتی را در راهب با سازمان ندهی بیگانان در مشهد حرکت کرد. و حرکات اعتراضی - وسیعی را سازمان داد. در طی همین مدت بود که به پیشاپیش اپورتونیستی اکثریت پی برده و خط انقلابی سازمان را ترویج می‌کرد. هم‌زمان با انشعاب اکثریت خائن رفیق فعالانه رفقا را دور هم جمع و پی ریزی تشکیلات هواداران را در مشهد مت و سودا. رفیق بهمن همواره امیدوار و پر شور و خلق و پرکار با ایمانی بی حد نسبت به زحمتکشان - حرکت می‌کرد. هیچگاه از کار خسته نمیشد تنها رنویسی، ارتباط گیری، بخش و فروش بحث و... توانائی قابل تحسینی در امر سازمان ندهی ورهبری داشت. بی‌سبب رفقا فوق العاده محبوب بود.

گواهی باد خاطره معلم مبارز رفیق محمد رضا فریدی



توده‌ای در حرکات اعتراضی شرکت جست و در روزهای قیام مدرجهت تسلیم توده‌ها بعنوان هوادار سازمان حرکت کرد. بعد از قیام در بیرجند به پایگاه‌های شکست‌ناپذیر جنبش زدوبت شور و شوق و خلاقیتی قابل تحسین مواضع سازمان را تبلیغ و ترویج می‌کرد. پس از انشعاب اکثریت به تبلیغ مواضع انقلابی سازمان پرداخت رفیق علاوه بر یک مبارز انقلابی مادیق و پیگیر، معلمی محبوب و پرکار بود. شاگردانش به او عشق می‌ورزیدند. عمال حاکمیت از ترس نفوذ پذیری رفیق در میان شاگردان، مرتباً او را از کلاس به کلاسی و از دبیرستان به دبیرستانی دیگر پراکنش می‌دادند. اما از ترس اعتراض شاگردان جرئت اخراج او را نداشتند. بی‌گیری او در امر مطالعه و تدوین نظرات کهن نظیر بود. رفیق همراه هم‌رزم خود رفیق بهمن در منزل آنها دستگیر شد اما در زندان نیز به مبارزه ادامه داد و در انجام به همراه سایر انقلابیون در سحرگاه ۱۱ شهریورماه به دست دژخیمان رژیم شهادت رسید و رسم مبارزه قاطع و بی‌امان را به شاگردان و رفقای خود آموخت پس از مرگ پرافتخارش سلولی از زندان بیرون آمد و مگذاری شد.

رفیق محمد رضا فریدی زردی ماه - ۱۳۳۲ در خانه شاد زحمتکشی در بیرجند به دنیا آمد. دبیرستان را در بیرجند به اتمام رسانید. تحصیلاتش را در مدرسه عالی ورزش ادا می‌داد. رفیق در حرکات اعتراضی دانشجویان قبل از قیام شرکت فعال داشت. و بعد از اخذ لیسانس به بیرجند بازگشت و بعنوان دبیر ورزش بکار - پرداخت. هم‌زمان با او جگیری جنبش

در او غرور دانه مزدوران سرمایه که از عناصر انقلابی و حرکت آنها به وحشت افتاده بودند با پرورش به منزل - رفیق او و خانواده اش را دستگیر نمودند رفیق در زندان نیز به فعالیت انقلابی خود ادامه داد. پیاپی رفیق همواره از زندان ارسال میشد که نمودار حرکت خلاقانه رفیق در جهت آراشه‌ها زندان بود. زندانیان هم‌بندش نیز شایسته اخلاق و رفتار او شده بودند در زندان - همراه هم‌رزم خود محمد دست به آراشه برنمانه و سازمان ندهی زندانیان زد. تیم و الیبال در زندان تشکیل داد.

پاسداران رژیم باز هم جنایتی دیگر در کردستان آفریدند

جمهوری اسلامی در روز ۲۳/۶/۶۰ دادا می‌سیاست ضد انقلابی و ارتجاعی خود به کارگران کوره پزخانه‌ها را قمیض در اطراف می‌اندوخت و حمله کرده و پس از ردیف کردن کارگران آنها را به رگبار می‌بندد و پس از کشتن عده‌ای از آنها، عده‌ای دیگر را با سر نیزه و کارد و قنداق تفنگ زخمی و - شهید می‌نمایند. این جنایت که نتیجه آن بقیه در صفحه ۱۸

پاسداران رژیم که حیات تنگن - خود را رویه زوال می‌بینند و اکنون در سراشیب سقوط قرار گرفته است مردم پر جنبش و فعالیت خود علیه کارگران، دهقانان و توده‌های زحمتکش میهن ما می‌فزاید. این رژیم که مدعی دفاع از منافع مستضعفین می‌باشد همواره علیه مردم زحمتکش بوده و در کنار توده‌های محروم مردم نیروهای انقلابی را نیز سرکوب می‌کند. رژیم

در سحرگاه خونین چهارشنبه ۱۱ شهریورماه بدون محاکمه ستاره‌ای - تابناک را از آسمان پرستانه ره مبارزان راه خلق بزرگسالی برداشت. اما ما را چه بایک که آسمان غرق ستاره است رفیق بهمن وصیت کرد، در مرگم میزاداری نکنید و لباس سیا بنویسید چرا که شهادت خونینهای آزادی است برای کسی که رفیق یک فدائی بود. یادش گرامی باد.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست